

به نام خداوند جان و خرد

پیشگفتار مؤلف

اینک که چاپ پانزدهم کتاب در اختیار داوطلبین گرامی قرار دارد، ضمن پاس داشت اطمینان شما، مولف مفتخر است بار دیگر اعلان نماید، همانگونه که در چاپ یازدهم پیش‌بینی شده بود کتاب حاضر نزدیک به صد درصد سوال‌های کارشناسی ارشد را شامل خواهد بود، صحت پیش‌بینی را شما داوطلب محترم با توجه به میزان پاسخ سوال‌های سال ۹۴ (۹۰ درصد ۱۸ از ۲۰)، ۹۵ (۹۵ درصد ۱۹ از ۲۰)، ۹۶ (۹۵ درصد ۱۹ از ۲۰) و ۹۷ (۹۰ درصد ۱۸ از ۲۰) در پایان کتاب مشاهده می‌نمایید. ضمناً دو مورد از سوال‌های ۹۴ و یک مورد از سوال‌های ۹۵ در حوزه روانشناسی رشد قرار ندارد. متأسفانه این گونه سوال‌ها موجب کاهش اعتبار (روایی) آزمون می‌گردد. زیرا در علم روانسنجی منظور از اعتبار یا روایی پاسخ به این سوال است که آیا آزمون هدف از ساخته شدن خود را می‌سنجد؟ قطعاً سه سوال مذکور روانشناسی رشد را نمی‌سنجد. همچنین دقت نمایید که ساختار اکثر سوال‌های سال ۹۵ دقیقاً از کتاب جاضر اقتباس شده است. داوطلب گرامی، همانگونه که در چاپ‌های قبل نیز یادآوری گردید، شما نیز می‌توانید صحت درصدهای اعلام شده را محاسبه نمایید.

سرمایه ما اطمینان شماست

آرزوی ما موفقیت شماست

«بر کام باشید»

دکتر عبدالحسن فرهنگی

abdolhassanfarhangi@yahoo.com

فهرست مطالب

فصل اول. کلیات (تعریف رشد و پختگی، اصول رشد، ویژگی‌های مرحله، تقسیم‌بندی کلی نظریه‌های رشد، روش‌های پژوهش، تاریخچه، وراثت و محیط).....	۱
فصل دوم. مبانی زیستی.....	۳۹
فصل سوم. نظریه‌های روان‌تحلیلی (فروید، اریکسون، آنافرودید، اشپیتز، نظریه‌های روابط شیء).....	۱۹۱
فصل چهارم. نظریه‌های یادگیری (رفتارگرایی، بندورا).....	۲۸۱
فصل پنجم. نظریه‌های رشد شناختی (پیاژه، برونر، کلبرگ، گیلیگان، پردازش اطلاعات).....	۲۹۱
فصل ششم. نظریه‌های نمو یافتگی (گزل، والن).....	۳۷۷
فصل هفتم. نظریه‌های بافتی (بالبی، ویگوتسکی، برنر، لئون تی‌یف).....	۳۹۹
فصل هشتم. نظریه چشم‌انداز عمر، بوهرلر، الکايند، مارگارت مید، ورنر.....	۴۳۷
فصل نهم. نظریه‌های فراگیری زبان، طبقه‌بندی و نظریه‌های بازی، نظریه‌های تقلید، نظریه‌های هویت جنسیتی و نقش‌آموزی جنسیتی.....	۴۵۱
سؤال‌های سراسری ۱۳۹۴.....	۴۸۱
سؤال‌های سراسری ۱۳۹۵.....	۴۸۹
سؤال‌های سراسری ۱۳۹۶.....	۴۹۴
سؤال‌های سراسری ۱۳۹۷.....	۴۹۹
سؤال‌های سراسری ۱۳۹۸.....	۵۰۴
سؤال‌های سراسری ۱۳۹۹.....	۵۰۹
منابع.....	۵۱۴

تعریف رشد

رشد عبارتست از همه تغییرات و تحولاتی که از زمان تشکیل سلول تخم تا هنگام مرگ در انسان روی می‌دهد. رشد حرکتی مستمر، دائمی و پیوسته بوده، گاهی آهسته و زمانی همراه با جوش و خروش است. هدف روان‌شناسی رشد توصیف، توضیح و پیش‌بینی رفتار است.

مفهوم پختگی^۱

وصول به مرحله معینی از مهارت یا استعداد مستلزم تغییراتی در دستگاه‌های عصبی و عضلانی بدن است. از این رو پختگی به تغییرات خاصی اطلاق می‌شود که عامل اساسی آن گذشت زمان همراه با تکامل و نظام‌یافتگی سیستم‌های عصبی است. پختگی به تجربه کودک از محیطش بستگی چندانی ندارد.

ویژگی‌ها و اصول رشد

۱- رشد الگوهای معین و قابل پیش‌بینی دارد. مانند الگوهای سری - پایی، مرکزی - پیرامونی، عام به خاص.

منظور از الگوهای فوق به ترتیب این است که ابتدا قسمت سر و سپس تنه و پاها رشد می‌کنند. همچنین ابتدا اعضاء داخلی و سپس اعضاء پیرامونی رشد می‌کنند. از سوی دیگر کودک ابتدا در

1- maturation

واکنش به محرک‌ها با تمام بدن خود واکنش نشان می‌دهد (الگوی عام)، اما به تدریج در اثر رسش و یادگیری اعضای بدن خود را به صورت تخصصی مورد استفاده قرار می‌دهد. (الگوی خاص).

۲- رشد جریانی مداوم است.

۳- تفاوت‌های فردی در رشد تقریباً ثابت است.

۴- رشد دارای ابعاد جسمانی و روانی و نسبت‌های مختلف است.

ویژگی‌های مرحله (ملاک‌های مرحله)

۱- هر مرحله ناشی از مراحل قبل و مقدمه‌ای برای مراحل بعد می‌باشد.

۲- هر مرحله همیشه در طول تحول محل و موقع ثابتی دارد.

۳- هر مرحله دارای ویژگی‌های خاص می‌باشد.

۴- هر مرحله واجد صفت توحیدی و یکپارچگی می‌باشد.

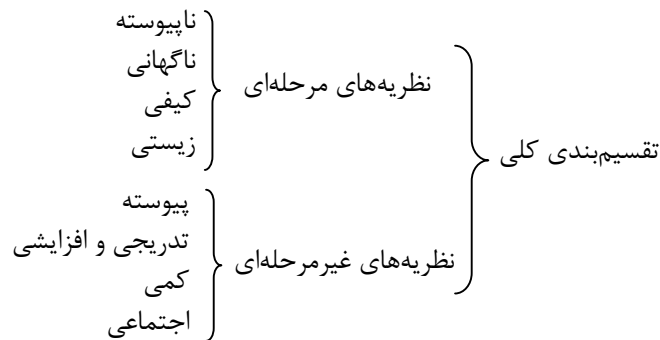
۵- هر مرحله شامل شکل‌گیری ساخت‌های مجموعه‌ای جدید می‌باشد.

۶- هر فردی تمام مراحل رشد را طی می‌کند.

۷- مراحل رشد جهان شمول می‌باشد.

۸- هر مرحله دارای تراز تهیه و تراز اتمام است.

نظریه‌های رشد



نظریه‌های مرحله‌ای گروهی از دیدگاه‌های رشد هستند که معتقدند رشد و تحول به صورت مرحله‌ای رخ می‌دهد و دارای ویژگی‌های رشد ناپیوسته، ناگهانی، کیفی و زیستی است. منظور از ناپیوسته بودن رشد این است که تغییرات به صورت جهشی (ناگهانی) و از لحاظ کیفی الگوهای جدیدی در رفتار ایجاد می‌شود. مثلاً کودکان معمولاً از شش ماه دوم زندگی کم‌کم سینه‌خیز می‌روند. ابتداء با شکم و سپس به کمک دست‌ها و زانوها تا سرانجام چهار دست و پا می‌روند و به تدریج تعادل بیشتری پیدا می‌کنند این تغییرات پیوسته است، در حالی که ایستادن و راه رفتن

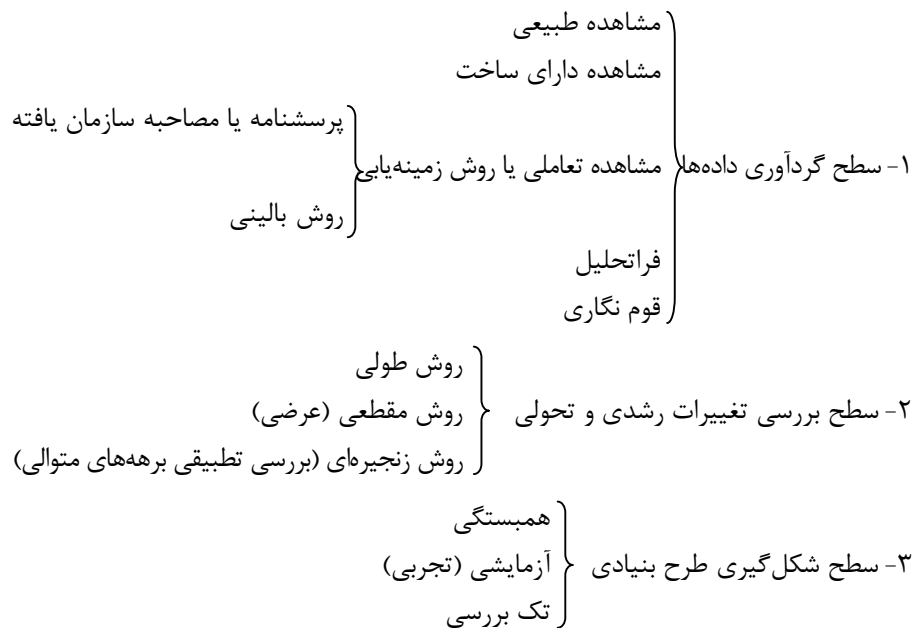
مستلزم حرکات کاملاً متفاوتی است، بنابراین تغییر از سینه‌خیز رفتن به راه رفتن یکی از مهارت‌های فرعی مربوط به سینه‌خیز رفتن نیست، اینجا، تغییر نمایانگر تغییر در الگوی رفتاری است که از لحاظ کیفی متفاوت است، این تغییر ناپیوسته، ناگهانی و کیفی است. در واقع تغییرات ناپیوسته همان مراحل رشد است. البته آنها تغییرات درون مرحله‌ای را به عنوان تغییرات تدریجی که در فواصل تغییرات ناپیوسته و ناگهانی صورت می‌گیرد را نیز قبول دارند. به عنوان مثالی دیگر در رشد ناپیوسته، کودکان بین ۱۵ تا ۲۰ ماهگی وقتی قواعد والدین را رعایت نمی‌کنند دچار اضطراب می‌شوند به اعتقاد روان‌شناسانی که رشد را ناپیوسته می‌دانند این رفتار نشانه تغییری کیفی در توانایی کودکان برای درک و تفکر درباره چیزهایی است که والدین منع کرده‌اند. عبور از مرحله‌ای به مرحله‌ای دیگر ناگهانی است. آنها معتقدند که تغییرات کیفی مهمتر و تعیین کننده‌تر از تغییرات کمی هستند. به عبارتی گذر از یک مرحله به مرحله‌ی دیگر ناشی از تغییرات کیفی در ساخت است، علت اصلی تفاوت مراحل رشد با یکدیگر تفاوت کیفی مراحل با هم است، یعنی تفاوت از نظر نوع است نه از نظر مقدار. همچنین نظریه‌های مرحله‌ای معتقدند که رشد داخلی و عوامل زیستی تعیین کننده‌تر از عوامل اجتماعی هستند. نظریه‌هایی مانند فروید و پیروان وی (آنافروید - اریکسون - اشپیتز - کلاین - ماهر - هارتمن...) پیاژه، کلبرگ، برونر، گزل و والن از جمله نظریه‌های مرحله‌ای محسوب می‌شوند. البته اریکسون و برونر در این گروه استثنائاً نقش عوامل اجتماعی را از عوامل زیستی تعیین کننده‌تر می‌دانند.

نظریه‌های غیرمرحله‌ای معتقدند که رشد به صورت غیرمرحله‌ای است که به صورت پیوسته، تدریجی و افزایشی رخ می‌دهد. همچنین به اعتقاد این گروه تغییرات کمی که در اثر انباشت ویژگی‌ها بر روی یکدیگر صورت می‌گیرد از تغییرات کیفی تعیین کننده‌تر هستند. از سوی دیگر عوامل اجتماعی نیز از عوامل زیستی تعیین کننده‌تر می‌باشند. نظریه‌هایی از قبیل پردازش اطلاعات، رفتارگرایی (یادگیری)، شناختی - اجتماعی (بندورا)، ویگوتسکی، برنر، لئون تی‌یف از جمله نظریه‌های غیر مرحله‌ای هستند.

لازم به یادآوری است که گروهی از نظریه‌ها، فرایند رشد را هم مرحله‌ای و هم غیرمرحله‌ای می‌دانند. نظریه‌هایی از قبیل کردارشناسی و دیدگاه عمر از جمله نظریه‌های این گروه هستند.

روش‌های پژوهش در روان‌شناسی رشد

روش‌های پژوهش در رشد و تحول را به سه سطح زیر می‌توان تقسیم کرد:



سطح گردآوری داده‌ها

مشاهده طبیعی^۱ فنی است که در آن محقق به مشاهده مستقیم رفتار می‌پردازد. امتیاز اصلی این روش مشاهده آزمودنی در شرایط طبیعی و زندگی روزمره است. از امتیازهای دیگر روش مشاهده طبیعی این است که مستقل از توانایی یا اراده شخص مورد مشاهده است. بهتر از روش زمینه‌یابی موجب درک رویدادها می‌شود اما در عین حال یک فن محدود محسوب می‌شود. مشاهده طبیعی یعنی به رویدادها اجازه حرف زدن دادن. برای بررسی فرضیه‌ها نیز مناسب نیست زیرا هیچ کنترلی بر رفتار افراد مورد مشاهده وجود ندارد. بنابراین نظریه‌های مبتنی بر روش مشاهده طبیعی خیلی نگرشی هستند. حضور مشاهده‌گر نیز می‌تواند در رفتار طبیعی مشاهده شونده تغییر ایجاد نماید (اثر هاوتورن^۲). یک نقطه ضعف مهم مشاهده طبیعی این است که همه آزمودنی‌ها از فرصت برابر برای نشان دادن یک رفتار خاصی برخوردار نیستند. در روش مشاهده دارای ساخت^۳ همه چیز و همه شرایط توسط آزماینده کنترل می‌شود و فرد در شرایط مصنوعی و

1- naturalistic observation

2- Hawthorne effect

3- structured observation

آزمایشگاهی مورد مشاهده قرار می‌گیرد. در این روش همه آزمودنی‌ها دارای فرصت برابر هستند. تصنعی بودن از معایب اساسی این روش است اما امتیاز اصلی آن «کنترل» متغیرها است. در روش مشاهده تعاملی^۱ (زمینه‌یابی)^۲ هم می‌توان از پرسشنامه و هم از روش بالینی که در حد فاصل مشاهده ساده و مصاحبه از پیش تعیین شده می‌باشد استفاده کرد. به عبارتی بررسی آزمودنی درگیر با یک فعالیت از دو زاویه مشاهده واکنش‌ها و مصاحبه درباره‌ی برداشت‌های وی از آنچه به عمل آورده می‌باشد. بنابراین دامنه سوال‌ها باز است یعنی سؤال بعدی برحسب پاسخ قبلی آزمودنی شکل می‌گیرد. به بیان دیگر آزمودنی تحت مشاهده مضاف^۳ قرار می‌گیرد. به این معنا که هم واکنش‌های وی نسبت به وسایل آزمایش زیر نظر قرار دارد و هم آزمودنی ضمن پرسشگری تحت مشاهده است و آزماینده مرتباً خود را با وضع آزمودنی سازش می‌دهد. مصاحبه بالینی یک روش انعطاف‌پذیر، توصیفی و کیفی است. آزمودنی افکار و اعمالی مانند زندگی روزمره را به کار می‌گیرد و در مدت زمان کوتاهی می‌توان اطلاعات زیادی بدست آورد.

روش قوم‌نگاری^۴ از علم انسان‌شناسی اقتباس شده است که در آن محقق با آشنا شدن با شیوه زندگی افراد از نوع فرهنگ آنها آگاهی پیدا می‌کند. این روش نیز عمدتاً توصیفی و کیفی است. در این روش پژوهشگر با برقراری ارتباط نزدیک با گروه اجتماعی می‌تواند از عقاید و رفتارهای اعضای آن آگاه شود.

در روش فراتحلیل^۵ آزماینده پژوهش جدیدی انجام نمی‌دهد، بلکه به بررسی چندین تحقیق در یک مورد خاص و مقایسه نتایج آنها می‌پردازد و در نهایت نتیجه‌گیری می‌کند. به عبارتی فراتحلیل، تحلیل آماری مجموعه‌ای از نتایج پژوهش‌های قبلی است.

سطح بررسی تغییرات رشدی و تحولی

در روش طولی^۶ عده‌ی معینی از آزمودنی‌ها به صورت مکرر در یک دوره یا طی چندین سال مورد آزمایش قرار می‌گیرند. فواصل زمانی ممکن است نسبتاً کوتاه (از چند ماه تا چند سال) یا بسیار بلند باشند (ده سال یا حتی تمام عمر آزمودنی‌ها). برخی منابع حداقل مدت زمان برای تحقیق طولی را ده سال ذکر کرده‌اند. در این تحقیق پی‌گیری اثر مورد نظر است و آزمودنی‌ها با خودشان مقایسه می‌شوند. دانشمندی که به مطالعه تحول یک پدیده در طول زمان علاقه دارند از این روش استفاده می‌کنند. روش طولی دو امتیاز عمده دارد؛ یکی تعیین الگوهای مشترک و

1- interactive

2- survey

3- double observation

4- ethnography

5- metaanalysis

6- longitudinal

تفاوت‌های فردی در رشد زیرا افراد در طول زمان ردیابی می‌شوند به عبارتی از ویژگی‌های اصلی این روش بدست آوردن اندازه‌های متوالی از آزمودنی‌های خاص است و دیگر اینکه روابط بین رویدادهای قبلی و بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرد. (مثلاً آیا گروهی که در کودکی یک رفتار خاص را انجام می‌دهند در بزرگسالی نیز همان رفتار را انجام خواهند داد). پژوهشگر می‌تواند ثبات و یا تغییر شخصیت را مورد بررسی قرار دهد. از معیاب این روش اینکه با خارج شدن آزمودنی‌ها از پژوهش ممکن است تمرین، اثر همدوره و تغییرات مرتبط با سن تحریف شود. مطالعه دانش‌آموزان سرآمد توسط ترمن از مشهورترین پژوهش‌های طولی است.

در روش مقطعی یا عرضی^۱ آزمودنی‌های سنین مختلف در یک نقطه زمانی معین مورد بررسی قرار می‌گیرند. ویژگی اصلی روش مقطعی مقایسه همزمان گروه‌های مختلف سنی است. مثلاً رشد زبان را در ۱۰۰ کودک که به گروه‌های سنی مختلف (۱۰ ماهه، ۱۳ ماهه، ۲۴ ماهه...) تقسیم می‌شوند مورد بررسی قرار می‌دهند. از طرح طولی کارآمدتر است. ضعف اصلی این روش تردید در قابل مقایسه بودن گروه‌ها است. زیرا هرگز نمی‌توان با اطمینان پی برد که تفاوت‌هایی که به سن نسبت داده می‌شود ناشی از عوامل دیگر نباشد. مثلاً وقتی می‌خواهیم این فرضیه را بررسی کنیم، هوش به همراه سن کاهش می‌یابد. باید افراد متعلق به گروه‌های مختلف را با یکدیگر مقایسه کنیم. نقطه ضعف این روش این است که امکان بررسی گرایش‌های رشد فرد را فراهم نمی‌آورد و ممکن است تفاوت‌های سنی به خاطر اثر همدوره تحریف شوند یعنی شواهد مربوط به رشد را در سطح فردی در اختیار نمی‌گذارد. ضمناً در این طرح مقایسه لحظه‌ها صورت می‌گیرد.

در روش زنجیره‌ای^۲ که حاصل ترکیب روش‌های طولی و مقطعی است گروه‌های سنین مختلف در یک دوره زمانی نسبتاً کوتاه مورد بررسی قرار می‌گیرند. به عبارتی در تحقیق زنجیره‌ای چند تحقیق مقطعی یا طولی مشابه را در زمان‌های مختلف اجرا می‌کنند. روش زنجیره‌ای دارای دو امتیاز است یکی اینکه با مقایسه کردن آزمودنی‌های هم سنی که در سال‌های متفاوتی به دنیا آمده‌اند می‌توانیم اثر همدوره^۳ را اندازه‌گیری کنیم. مثلاً می‌توان سه نمونه طولی را در سن ۲۰، ۳۰ و ۴۰ سالگی مقایسه کنیم، چنان که آنها تفاوتی نداشته باشند می‌توانیم تأثیر همدوره را منتفی بدانیم. دومین امتیاز روش زنجیره‌ای این است که می‌توانیم مقایسه‌های طولی و مقطعی انجام دهیم و اگر نتایج در هر دو مشابه باشند در این صورت می‌توانیم در مورد یافته‌های خود کاملاً مطمئن باشیم. مثلاً برای اینکه بررسی کنیم که آیا رشد شخصیت بزرگسالی آن طور که اریکسون می‌گوید پیش می‌رود سه همدوره ۲۰، ۳۰ و ۴۰ ساله در فواصل مثلاً هر ده سال یکبار

1- cross-sectional

2- sequential method

3- Cohort effect

بررسی می‌شوند تحقیقات انجام شده در این زمینه کسب هویت و صمیمیت در این دوره یعنی بین ۲۰ تا ۳۰ سالگی را مورد تأیید قرار داده است. واژه تطبیقی در ابتداء نشان دهنده بررسی‌های بین فرهنگی است.

به خاطر داشته باشیم که روش‌های سطوح گردآوری داده‌ها و بررسی تغییرات رشد از روش‌های توصیفی هستند. در روش توصیفی اندازه متوسط (میانگین) یک خصوصیت محاسبه می‌شود.

سطح شکل‌گیری طرح بنیادی

در روش همبستگی^۱ رابطه میان دو یا چند متغیر تعیین می‌شود. با استفاده از این روش هم می‌توان رابطه زمانی میان متغیرها و هم رابطه پیش‌بینی میان آنها را تعیین کرد. در این روش رابطه بین متغیرها با ضریب همبستگی^۲ (r) نشان داده می‌شود. رابطه بدست آمده رابطه علت و معلولی نیست. به همین دلیل محققان در گزارش نتایج پژوهش به جای متغیر مستقل و متغیر وابسته از متغیر پیش‌بین^۳ و متغیر ملاک^۴ استفاده می‌کنند. متغیر پیش‌بین متغیری است که از روی آن متغیر ملاک مورد پیش‌بینی قرار می‌گیرد و متغیر ملاک متغیری است که براساس آن مورد پیش‌بینی قرار می‌گیرد. مقدار ضریب همبستگی بین $(+1)$ و (-1) می‌باشد. ضریب همبستگی کامل یعنی (± 1) که در آن ضریب نماینده رابطه کامل مثبت یا منفی است. فقط در شرایط ضریب همبستگی کامل می‌توان یک متغیر را از روی متغیر دیگر به طور قطعی به درستی پیش‌بینی کرد. ضریب همبستگی صفر بیانگر نبود رابطه است. در این شرایط هیچ‌گونه پیش‌بینی صحیحی نمی‌توان انجام داد. ضمناً ضریب همبستگی‌هایی که با اعداد بین $+1$ و -1 نشان داده می‌شود (به جز عدد صفر) نماینده رابطه غیرکامل هستند. هر چقدر از سمت صفر به طرف عدد (± 1) حرکت کنیم میزان رابطه افزایش و احتمال خطا در پیش‌بینی کاهش می‌یابد و هر چقدر از سمت (± 1) به طرف صفر حرکت کنیم میزان رابطه کاهش و احتمال خطا در پیش‌بینی افزایش می‌یابد. ضریب همبستگی را نمی‌توان به صورت درصد تعبیر کرد اما مجذور همبستگی نشان دهنده درصد وجه مشترک بین دو متغیر مورد نظر است. مثلاً اگر بین دو آزمون مختلف هوش ضریب همبستگی $0.80/0$ باشد، می‌توان گفت ۶۴ درصد ویژگی‌هایی که این دو آزمون اندازه می‌گیرند مشترک است. مثلاً بررسی اختلال رفتاری کودکان با کم توجهی مادران از روش‌های همبستگی است زیرا کوششی برای دستکاری متغیر «همکاری مادر و فرزند» نمی‌شود.

1- correlational

2- correlational coefficient

3- predictive variable

4- criterion variable

روش آزمایشی یا تجربی^۱ مستلزم دستکاری^۲ آگاهانه و هدفمند در یک متغیر برای مشاهده‌ی متغیر دیگر است. مهمترین ویژگی این روش «کنترل» است که از طریق «تصادفی» حاصل می‌شود. در این روش دو گروه آزمایشی و کنترل و حداقل یک متغیر مستقل^۳ و یک متغیر وابسته^۴ وجود دارد. گروه آزمایش گروهی است که متغیر مستقل را دریافت می‌کند و گروه کنترل گروهی است که متغیر مستقل را دریافت نمی‌کند. این دو گروه تا جایی که امکان دارد باید مشابه یکدیگر باشند، به جز یک تفاوت عمدی که آن هم دریافت و عدم دریافت متغیر مستقل است. متغیر مستقل، تغییری است که مورد دستکاری قرار می‌گیرد و تغییری که در نتیجه‌ی دستکاری متغیر مستقل، تغییرات آن اندازه‌گیری می‌شود و متغیر وابسته است. در پژوهش آزمایشی علاوه بر توصیف و پیش‌بینی، به رابطه علت و معلولی بین امور نیز پی می‌بریم.

در روش تک بررسی یا مطالعه موردی^۵ یک شخص یا یک موقعیت عمیقاً مورد بررسی قرار می‌گیرد. سانتراک معتقد است مطالعات موردی غالباً زمانی به کار می‌روند که شرایط ویژه زندگی یک فرد را به دلایل عملی یا اخلاقی نمی‌توان تکرار کرد. مطالعه موردی نیز یک مطالعه توصیفی محسوب می‌شود. چنان که وضعیت یک کودک را در طول زمان و یا در مقاطع زمانی مشخصی به طور عمیق و همه جانبه مطالعه کرد. مانند مطالعات پیازه و همچنین مطالعات فروید. مطالعه موردی انعطاف‌پذیرترین شیوه تحقیقی است زیرا می‌توان آن را در هر موردی به کار گرفت. هدف این است که تا حد امکان تصویر کاملی از عملکرد روان‌شناختی فرد و تجربیاتی که به آن منجر شده‌اند به دست آید. این روش زمینه‌ای برای استفاده از سایر روش‌های مطالعه فراهم می‌سازد. به عبارتی می‌توان آن را با استفاده از روش‌های دیگر تکمیل کرد. این روش به ویژه زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که استفاده از سایر روش‌ها امکان‌پذیر نباشد. مثلاً وقتی به نمونه‌هایی از کودکان برمی‌خوریم که در شرایط بسیار استثنایی رشد کرده‌اند (نوابغ)، این روش بهترین نتیجه را به بار می‌آورد، زیرا در شرایط عادی هرگز امکان نداشت که چنین مواردی را با روش تجربی پژوهش کرد (به دلیل محدود بودن موردهای استثنایی از روش همبستگی نمی‌توان استفاده کرد) مهمترین روش مطالعه موردی، مطالعه موردی بالینی است. می‌توان در مطالعات موردی از روش آزمایشگاهی نیز استفاده کرد و تأثیر نظارت شده متغیرهای محیطی را در رفتار یک فرد معین مشاهده کرد. در این روش جنبه‌هایی از رفتار فرد در مدت زمان معینی اندازه‌گیری می‌شود (مقدار پایه) سپس تغییرات معینی در متغیرهای محیطی داده می‌شود و تأثیرات آن مورد مطالعه قرار

1- experimental

2- manipulation

3- independent variable

4- dependent variable

5- case study

می‌گیرد. اصولاً روش بالینی بر محور تک بررسی‌های نظام‌دار و جامع قرار دارد. بررسی بالینی سازش یافته شکل مطالعه رفتار عینی انسان است که با روش‌های مبتنی بر روان‌سنجی رابطه نزدیکی دارد. از نگاه دیگر طیف روش‌های تجربی دارای دو سطح «ایجاد» یا آزمایشگاهی و سطح «توسلی» یا متوسل شدن به شرایط موجود است. روش‌های بالینی نیز عینیت خود را با رعایت راهبردهای روش‌های تجربی به دست می‌آورند. به عبارتی روش‌های تجربی و بالینی گروهی از روش‌های متعامل و مکمل یکدیگر هستند.

تاریخچه روان‌شناسی رشد

هدف روان‌شناسی رشد توصیف، توضیح و پیش‌بینی رفتار است. مثلاً توصیف رفتار کودکان در سنین مختلف برای کسب آرامش و یا توضیح این که چرا کودکان چنین تمایل نیرومندی دارند و سرانجام پیش‌بینی پیامدهای چنین رفتارهایی در طول زندگی. در قرون وسطی (قرن ششم تا پانزدهم) به کودکی به عنوان مرحله‌ای جداگانه در روند زندگی اهمیت کمی می‌دادند و پس از نوباوگی کودکان را مینیاتور بزرگسالان می‌دانستند، یعنی افرادی که همه ویژگی‌های بزرگسالان را دارند اما در اندازه‌های کوچکتر. این دیدگاه به نظریه فرم یافتگی پیشین (پیش ساختگی)^۱ معروف است. تاریخچه تحقیق علمی و تجربی درباره کودک در قرن هفدهم با یوهان آموس کمونیوس آغاز شده است و بر اهمیت علایق و استعدادها، استفاده از تصاویر و وسایل کمک آموزشی تأکید داشت.

داروین

وی پیشگام مطالعه علمی کودک است، زیرا نظریه او یعنی نظریه انتخاب طبیعی^۲ و بقای شایسته‌ترین (تنازع بقا) و تأکید وی بر ارزش سازگاری و ویژگی‌های جسمانی و روان‌شناختی و رفتاری منجر به نظریه‌های مهم رشد گردید. در زمینه تکامل انواع، به نظر داروین پیوستگی انواع هم‌دارای جنبه‌ی بدنی و هم جنبه‌ی روان‌شناختی می‌باشد. روان‌شناسی تطبیقی (مقایسه حیوان و انسان) با داروین آغاز شد، وی معتقد بود که دوران کودکی شبیه به تکرار مراحل تکامل بشری است (پدیده‌ی باز زیستی). همواره به خاطر داشته باشیم که داروین و پیروان وی سه مسأله اصلی را مطرح کرده‌اند:

۱- تغییرات زیستی

۲- تکامل

۳- انطباق و سازگاری

1- preformationism
2- Natural selection

به عقیده داروین آنچه موجب شده است در هر موقعیتی حیوانات و انسان در اشکال مختلفی قرار بگیرند تغییرات زیستی است که در طول تکامل رخ داده‌اند و هدف آنها نیز انطباق و سازگاری با محیط است. به عقیده داروین فرآیند تکامل به نحو باور نکردنی آهسته است و معمولاً تنها پس از نسل‌های بیشمار دگرگونی‌های چشم‌گیر ایجاد می‌شود. اصطلاحات تنازع بقا و بقای انساب تصویرهایی از افراد در نبرد وحشیانه را مجسم می‌کند. اما داروین به اهمیت غرایز اجتماعی نیز جهت بقای گروه اشاره کرده است و معتقد است جانورانی که به هم گروه‌های خود کمک می‌کنند فرصت‌های بهتری برای بقا دارند. به ویژه تکامل منطقی و عقل در انسان چون انسان از نظر جسمی ضعیف‌تر و کندتر از بسیاری از گونه‌ها است پس باید برای بقا به هوش و اختراعات خود تکیه کند. بدینسان ظرفیت‌های رفتار اجتماعی و منطقی همراه با ویژگی‌های جسمی باید متحمل انتخاب طبیعی شده باشد. داروین نخستین کردارشناس محسوب می‌شود.

گفته می‌شود داروین و پیروان او یعنی نظریه‌های زیستی - تکاملی مانند گزل و بویژه کردارشناسان از روش «بعد از این»^۱ استفاده می‌کنند.

جان لاک (قرن هفدهم)

وی پدر محیط‌گرانی است. جان لاک ذهن کودک را مانند یک لوح سفید^۲ می‌داند که آن را تجربه شکل می‌دهد. به عقیده وی همه دانش ما از تجربه سرچشمه می‌گیرد. نقطه آغاز نظریه لاک رد اصل عقاید ذاتی بود زیرا تا آن زمان افلاطون، دکارت و دیگران باور داشتند که برخی عقاید جنبه ذاتی دارند. لاک پذیرفت که افراد مزاج‌ها و سرشت‌های خاص دارند اما در کل محیط ذهن را شکل می‌دهد. یادگیری در دوره شیرخوارگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا ذهن در این زمان بیشترین انعطاف‌پذیری را دارد. بنابراین می‌توان آن را به هر طریق که بخواهیم شکل دهیم و زمانی که چنین کردیم طبیعت اساسی آن برای باقی زندگی پایه‌گذاری شده است. محیط نخست از طریق تداعی‌ها^۳ بسیاری از اندیشه‌ها و احساسات را شکل می‌دهد. بسیاری از رفتارها از طریق تکرار ایجاد می‌شود و به تدریج تبدیل به یک عادت طبیعی می‌شود که وقتی آن را انجام ندهیم احساس ناراحتی خواهیم کرد. ما از طریق تقلید^۴ نیز می‌آموزیم زیرا ما مستعد هستیم آنچه را می‌بینیم که دیگران انجام می‌دهند تقلید کنیم بنابراین الگوها شخصیت ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین وی معتقد بود که ما از طریق پاداش^۵ و تنبیه می‌آموزیم. در زمینه‌ی آموزشی وی هدف اصلی

1- *post hoc*

2- *tabula rasa*

3- *association*

4- *imitation*

5- *reward and punishment*

آموزش را کنترل خود یا خود انضباطی^۱ می‌دانست. وی برای القاء خودانضباطی سلامتی جسمی کودکان را نخستین شرط می‌دانست. بنابراین کودکان را باید به فعالیت بدنی و ورزش هدایت کنیم تا بدن آنها نیرومند شود، کودکان باید در فضای آزاد به بازی بپردازند تا سختی هر نوع آب و هوایی را تجربه نمایند. باید با کودکان قاطع بود تا نظم و ترتیب را یاد بگیرند. نباید هر خواسته‌ی کودک را برآورده کرد بلکه باید والدین در این مورد تصمیم بگیرند زیرا اگر آنها از ابتدا یاد بگیرند که با هر روشی مانند گریه کردن می‌توانند به خواسته‌های خود برسند این روش را فراموش نخواهند کرد. وی با تنبیه بدنی مخالف بود زیرا تنبیه بدنی موجب تداعی‌های نامطلوب می‌شود. بهترین پاداش تمجید و ستایش و بهترین تنبیه نیز عدم قبول و ابراز نارضایتی و تقبیح است. کودکان به رضایت یا نارضایتی دیگران بویژه والدین بسیار حساس هستند بنابراین باید از این مسئله در تربیت آنها سود برد. نباید برای تربیت کودکان قواعد انتزاعی تدوین کرد زیرا آنها این قواعد را نمی‌فهمند. به جای قواعد باید از نمونه و الگو استفاده کرد و به جای صدور فرامین باید کودکان را مجبور کنیم که رفتار مطلوب را تمرین نمایند. بنابراین لاک با این گفته بیان کرده است که کودکان ظرفیت‌های شناختی خاص خود را دارند، همچنین کودکان خلق و خوی ویژه سن خود را دارند (تناقض نظریه لاک) از سوی دیگر او معتقد بود که کودکان به خاطر خود یادگیری، یاد می‌گیرند (تناقض نظریه لاک). لاک رشد را به صورت پیوسته می‌پندارد و کودکان را موجوداتی منفعل می‌داند.

ژان ژاک روسو: (قرن هجدهم)

وی به پدر سنت رشدگرایی شهرت دارد. وی در این زمینه که کودکان از بزرگسالان متفاوت هستند موافق بود اما وی این موضع را مثبت‌تر در نظر می‌گرفت و معتقد بود که کودکان حالات و روش‌های خاص خود را از نظر اندیشه و احساس دارند. کودکان مطابق با طرح طبیعت رشد می‌کنند که اقتضاء دارد ظرفیت‌ها و کیفیت‌های متفاوتی را در مراحل متفاوت گسترش دهد تمام صفات خوب ذاتی است و باید به طبیعت فرصت داد که رشد کودک را رهبری کند وی اعتقاد به محیط و نیروهای اجتماعی در شکل دادن به کودک نداشت. وی کودکان را وحشی‌های بزرگواری می‌دانست که ذاتاً از احساس درست و نادرست برخوردارند و برای رشد منظم و سالم برنامه‌های فطری دارند. فلسفه او فلسفه کودک مداری بود که در آن بزرگسالان باید در هر یک از چهار مرحله رشد یعنی نوباوگی، کودکی، اواخر کودکی و نوجوانی پذیرای نیازهای کودک باشند.

مرحله نوباوگی یا شیرخوارگی از تولد تا ۲ سالگی

آنها دنیا را مستقیماً از طریق حواس خود تجربه می‌کنند. آنان چیزی درباره ایده‌ها یا منطق نمی‌دانند اما لذت و درد را می‌آزمایند، فعال و کنجکاو هستند، شروع به کسب زبان می‌کنند و این

1- self-discipline

عمل را تقریباً به تنهایی انجام می‌دهند. دستور زبان آنها کاملتر از دستور زبان بزرگسالان است. قواعد دستوری را به کار می‌برند و خودشان در طول زمان خودشان را تصحیح می‌کنند.

مرحله کودکی از ۲ تا ۱۲ سالگی

آغاز این مرحله رسیدن به استقلال کودکان است که ناشی از توانایی‌هایی است که خود به خود در کودکان ظاهر می‌شود. دارای نوعی منطق هستند اما این منطق با رویدادها دور یا تجربه‌ها سروکار ندارد بلکه منطقی شهودی است که به طور مستقیم در ارتباط با حرکات بدنی و حواس می‌باشد. اندیشه هنوز کاملاً غیرانتزاعی و خشک است.

مرحله اواخر کودکی از حدود ۱۲ تا ۱۵ سالگی

مرحله سوم یک دوره انتقالی بین کودکی و بلوغ است. کودکان مقدار زیادی نیروی جسمانی کسب می‌کنند، پیشرفت عمده‌ای در شناخت پیدا می‌کنند به طوری که می‌توانند مسائل نسبتاً پیشرفته‌ای در هندسه و علوم حل کنند. اما هنوز کاملاً نظری و کلامی نمی‌اندیشند اما کارکردهای شناختی خود را از طریق کارهای ملموس پرورش می‌دهند.

به عقیده روسو در سه مرحله نخستین کودکان به طور طبیعی در مرحله «پیش‌اجتماعی»^۱ هستند. یعنی در درجه نخست متوجه آن چیزی هستند که برای آنان ضروری و سودمند است و علاقه کمی به روابط اجتماعی دارند.

مرحله بلوغ از ۱۵ سالگی

در چهارمین مرحله نوجوانان به طور مشخص موجودات اجتماعی می‌شوند. بدن دگرگون می‌شود و هیجان‌ها از درون به بیرون می‌ریزند، دگرگونی در خلق، بحران‌های متعدد، جنبش ادراکی ذهن نوجوانان را غیرفرمانبر می‌سازد. از نظر شناختی می‌توانند با مفاهیم انتزاعی روبرو شوند و به مسائل نظری علاقمند می‌شوند.

به عقیده روسو این چهار مرحله رشد دارای یک توالی ثابت است که برطبق طرح طبیعت آشکار می‌شود. وی همچنین بیان می‌کند که این مراحل را می‌توان به صورت تکرار تکامل عمومی نوع انسان در نظر گرفت. چنان که شیرخواران مانند مردم نخستین با جهان به طور مستقیم و از طریق حواس ارتباط دارند و تنها اشتغال آنها لذت و درد است. دو مرحله بعدی کودکی و اواخر کودکی موازی با دوره وحشی است، یعنی هنگامی که مردم آموختند کلبه و ابزار بسازند (یادگیری مهارت‌ها) و مرحله بلوغ موازی با آغاز زندگی اجتماعی حقیقی است. زیرا از نظر تاریخی نیز وجود اجتماع با تخصصی شدن و تقسیم کار آغاز شد.

روسو به ظرفیت کودک (امیل) برای آموختن توسط خود، (جنبش‌های درونی طبیعت) ایمان اساسی داشت. به عقیده وی هیچ راهنمایی از سوی بزرگسالان ضرورت ندارد. کودک (امیل) راه رفتن و سخن گفتن را خود خواهد آموخت. وی هیچگاه شاگرد خود را به کاری مجبور نمی‌کند و یا او را تصحیح نمی‌نماید. زیرا به عقیده وی چنین کارهایی کودک را تنها، ترسو و مضطرب خواهد کرد و استقلال وی را از او خواهد گرفت. روسو معتقد است که نباید به کودک امر و نهی کرد. وی معتقد است که تنها درس‌هایی را که مناسب سن کودک است باید به او ارائه داد. روسو برای سنجش ارتفاع، طول و فواصل از حرکت آزادانه کودک استفاده می‌کرد تا کودکان عملاً آنها را دریافت نمایند. باید کودک چیزی را به دلیل آن که خود او آموخته است بداند نه به دلیل آن که شما به او گفته‌اید، بگذارید او علوم را کشف کند نه اینکه به او آموخته شود. هرگاه مقام و اعتبار را جانشین عقل و منطق کنید او صرفاً بازیچه افکار مردم خواهد بود. درس‌هایی مانند تاریخ و جغرافی که ربطی به تجربه مستقیم کودک ندارد و نیازمند ظرفیتی از تعقل است، آموزش را تجربه‌ای ناخوشایند خواهند دید و مجبور می‌شوند مسائل را از روی «ایمان» به بزرگسالان بیاموزند و پاسخ‌ها را فقط به دلیل این که بزرگسالان درست می‌دانند صحیح بدانند. روسو می‌گوید روش او یک روش «صرفاً منفی» است یعنی او جسم و حواس کودک (امیل) را پرورش خواهد داد اما ذهن او را تا آن زمان که ممکن است بیکار نگاه خواهد داشت تا آن که ظرفیت کودک برای تعقل رشد کند و آن زمان که وی بتواند خود آنها را بسنجد فرا رسد. کودک باید بیاموزد که خود بیندیشد نه صرفاً اطلاعات ویژه‌ای را کسب کند.

بنابراین روسو معتقد به پختگی و بلوغ زیستی^۱ بود. رشد فرد به صورت گروهی طی مراحل آشکار می‌شود که در هر مرحله دنیا را به روش‌های گوناگون می‌آموزد یعنی در هر دوره الگوهای اندیشه و رفتار کودک ویژگی‌های یگانه خود را دارد و به همین دلیل از بزرگسالان نیز متفاوت می‌باشند. وی یک روش کودک‌مداری^۲ ارائه داد یعنی با کودک باید بر پایه سن او رفتار کرد. وی قائل به مرحله بود و مفهوم رسش یا پختگی را ارائه داد و معتقد بود رشد دارای فرایند ناپیوسته است. در قرن هجدهم باید به پستالوزی نیز که بر تناسب آموزش با رشد کودک تأکید داشت و اعلام داشت که در تعلیم و تربیت باید به شرایط یادگیری توجه شود اشاره نمود. وی که به ترتیب کودکان بی‌سرپرست علاقه داشت، کمبود محبت والدین را مانع رشد عادی کودک می‌دانست.

استانلی هال: (قرن نوزدهم)

هال بنیان‌گذار جنبش مطالعه کودک بود. وی و شاگرد معروفش گزل با الهام از دیدگاه تکاملی داروین رشد را به صورت فرایندی ژنتیکی در نظر گرفتند. آنها رویکرد هنجاری به مطالعه کودک را

1- biological maturation

2- Child Centered

ارائه دادند. هال اولین بار با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه با والدین اطلاعات مفصّلی درباره کودکی و نوجوانی و محتویات ذهنی آنها بدست آورد. مطالعه علمی نوجوانی را آغاز کرد بنابراین به پدر روان‌شناسی نوجوانی شهرت دارد. یکی از برجسته‌ترین مفاهیم هال، مفهوم طوفان و فشار^۱ است که برای دگرگونی‌های چشمگیر دوره نوجوانی به کار برده است. وی دوره نوجوانی را «تولد دوباره^۲» نامیده است. زیرا به عقیده وی تکامل یافته‌ترین ویژگی‌های انسانی و اولین ویژگی‌های تمدن انسان در این دوره ظاهر می‌شود. همچنین وی معتقد است نوجوانی مانند دوره‌ای است که در آن انسان‌ها از موجودات وحشی به موجودات متمدن تبدیل شدند. هدف هال توضیح توالی و زمان‌بندی رشد بود.

البته در قرن نوزدهم فردریک فروبل به عنوان بنیان‌گذار کودکان، ویلهم پیرر با مقایسه رفتار کودک با رفتار حیوانات از پیشگامان روان‌شناسی کودک به حساب می‌آیند. در اواخر قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ تیتنس و کاروس تأکید کردند که توجه به رشد باید به بزرگسالی نیز گسترش یابد. آنها معتقد بودند که تفاوت‌های فردی، مقدار تغییر رفتار و اثر همدوره در دوره بزرگسالی بیشتر است. آنها معتقد بودند که می‌توان زوال عقل را در پیری جبران کرد.

جان دیوئی (قرن بیستم)

بیشترین مطالعه تجربی و علمی درباره رشد جسمانی و روان‌شناختی کودک در قرن بیستم انجام گرفته است. دیوئی متأثر از روسو می‌باشد که در فلسفه آموزش و پرورش صاحب نظریه می‌باشد. به اعتقاد وی کودکان در بنیاد و از لحاظ طبیعی موجوداتی کنجکاو هستند و می‌خواهند خود جهان را کشف کنند. وی در راه ایجاد نظام کنشی گام برداشته و مکتب وی به نام مکتب شیکاگو شهرت یافته است. از نظر وی عناصر واکنش یا جمع آنها مهم نیست بلکه هماهنگی بین آنها دارای اهمیت است. وی به آموزش از طریق عمل و تجربه و با توجه به نیازهای اجتماعی و برقراری ارتباط بین فعالیت‌های آموزشی و محیط زندگی واقعی کودکان تأکید فراوان داشت. طرفداران مدارس گشوده باورهای روسو و جان دیوئی را با هم ترکیب کرده و بر آزادی، خوبی طبیعت و پاکی کودکان تأکید داشتند.

نظریه تربیتی مونتسوری

مونتسوری بیشتر تحت تأثیر روسو قرار گرفته و معتقد است که رشد علاوه بر مسائل تربیتی تحت تأثیر نیروهای وابسته به رسش نیز قرار دارد. یکی از مولفه‌های اصلی مونتسوری مفهوم دوره

1- Storm and stress

2- Rebirth

حساس^۱ می‌باشد. این دوره‌ها زمان‌های برنامه‌ریزی شده ژنتیکی مشخصی هستند که در خلال آنها کودک بویژه مشتاق و آماده یادگیری و تسلط یافتن در تکالیف معینی است.

دوره‌های حساس

- ۱- دوره حساس نظم: شامل سه سال اول زندگی است که کودک نیاز شدیدی به نظم دارد.
- ۲- دوره حساس توجه به جزئیات: بین ۱ تا ۲ سالگی کودکان توجه خود را به جزئیات کم اهمیت معطوف می‌کنند. تفاوت شخصیت کودک با بزرگسال کیفی است.
- ۳- دوره حساس استفاده از دست‌ها: بین ۱۸ ماهگی تا ۳ سالگی کودکان به طور منظم و مداوم اشیاء را با دست چنگ می‌زنند.
- ۴- دوره حساس راه رفتن: قابل مشاهده‌ترین دوره رشد. نوعی تولد دوم است زیرا کودک موجودی فعال است.
- ۵- دوره حساس زبان‌آموزی: توانایی خارق‌العاده کودک در فراگیری زبان، مونتسوری را به این نتیجه رساند که باید از نوعی سازوکار خاص برای یادگیری زبان برخوردار باشد. به عقیده مونتوری فرایند یادگیری زبان شبیه نوعی نقش‌پذیری است. چنان که تا ۳ سالگی کودکان به گونه‌ای درون‌زاد برای یادگیری زبان آمادگی دارند. بنابراین رشد زبان دارای مراحل معینی است. البته در مورد زبان وی این مراحل را ناگهانی می‌دانست نه تدریجی. در سنین ۳ تا ۶ سالگی دیگر لغات و دستور زبان را ناآگاهانه جذب نمی‌کنند بلکه به صورت هشیار و آگاهانه آنها را جذب می‌کنند. یادگیری زبان قبل از مدرسه و به صورت خودبه‌خود صورت گرفته است. براساس یافته‌های مونتسوری هنگامی که به کودکان تکالیفی داده می‌شود که نیازهای درونی خود را در دوره حساس ارضاء می‌کند و عملی را بارها تکرار می‌کنند احساس آرامش درونی می‌کنند. وی کسب حالت آرامش از طریق کار فشرده توسط کودکان را بهنجارسازی^۲ نامیده است. وی مواد آموزشی که دارای کنترل اشتباه درونی بودند را توصیه می‌کرد. مثلاً وی استوانه‌هایی که ابعاد فضایی را به کودک می‌آموزد دارای این کنترل می‌داند، زیرا اگر کودک هر استوانه را در جای خود قرار ندهد یک استوانه اضافه خواهد آمد و بدین ترتیب علاقه کودک افزایش یافته و در صدد حل آن برمی‌آید.

مونتسوری بر آمادگی تدریجی کودکان تأکید داشت بنابراین از اصل آمادگی غیرمستقیم در آموزش استفاده می‌کرد، یعنی برای انجام یک تکلیف از تکالیف غیرمرتبط اما آسان‌تر استفاده می‌کرد. در آموزش خواندن و نوشتن باید از سن چهارسالگی که دوره حساس زبان است آغاز کنیم

1- sensitive Period

2- normalization

و ابتداء نوشتن را و سپس خواندن را به کودکان آموزش دهیم، زیرا نوشتن ملموس‌تر و عینی است و یک حافظه دیداری و عضلانی در کودکان شکل می‌گیرد. وی در خواندن کودکان را یاری می‌کند.

نقش آموزش و مدرسه از نظر مونتسوری

در مدرسه هدفِ تعلیم و تربیت همانی است که در خانه تعقیب می‌شود. معلم سعی نمی‌کند کودک را هدایت کند، به او آموزش بدهد، برای او سرمشق تعیین کند یا به عبارت دیگر بر او اعمال قدرت کند. بلکه در مقابل می‌کوشد تا به کودک برای تسلط‌یابی مستغلاانه فرصت دهد (هدف تعلیم و تربیت). وی معتقد به فراهم آوردن محیط مناسب آموزشی بود اما در این مسأله سعی می‌کرد ببیند کودکان خود چه چیزی را انتخاب می‌کنند. یعنی تأکید او بر انتخاب آزاد کودکان بود. در عین حال عوامل جدید توسط معلم به محیط اضافه می‌شود. معلم باید یک مشاهده‌گر کنش‌پذیر و منفعل باشد و در آموزش هرگز به تعیین بایدها اقدام نکند، معلم رهبر نیست بلکه پیرو است. زیرا این کودک است که راه را نشان می‌دهد و آنچه که پیش از همه بدان نیاز دارد را آشکار می‌سازد. معلم باید تمرکز حواس و تکرار را در کودکان مورد مشاهده قرار دهد و به نیازهای معین و میزان آمادگی او پی ببرد. به عقیده مونتسوری ارزیابی بیرونی کودکان خود اکتیوی و استقلال آنها را محدود می‌کند. بنابراین در کلاس درس پاداش و تنبیه وجود ندارد. باید به تمایلات خود به خود کودکان توجه شود تا براساس یک سائق فطری توانایی‌های خود را نشان دهند. وی به آموزش قدم به قدم اعتقاد داشت زیرا آمادگی در کودکان بتدریج ایجاد می‌شود. آموزش خواندن را باید از چهار سالگی آغاز کنیم. از نظر مونتسوری نظم در کلاس نیز باید از سوی خود کودکان ایجاد شود. روی هم رفته وی به آموزش کودک محور اعتقاد داشت. وی مانند روسو معتقد بود که کودکان کاملاً متفاوت از بزرگسالان فکر می‌کنند و یاد می‌گیرند. به عقیده وی ما الزاماً در تعلیم و تربیت کودک نیاز به دانش رسمی روان‌شناسان کودک نداریم بلکه به نگرش معین در مورد تعلیم و تربیت نیاز داریم. بنابراین باید به تلاش‌های آنها احترام بگذاریم و به نیروهای درونی آنها اعتماد داشته باشیم. وظیفه معلم و جامعه ایجاد فرصت برای کودکان در جهت یادگیری است. کودکان از سن ۲/۵ سالگی می‌توانند در کلاس‌ها شرکت نمایند. به عقیده مونتسوری تفاوت‌های سنی در کلاس موجب لذت یادگیری دانش‌آموزان می‌شود.

به اعتقاد مونتسوری کودکان اجازه سوء رفتار با همکلاسی‌ها و مواد آموزشی را ندارند و معمولاً سوء رفتارها ناشی از فقدان لذت از انجام تکلیف است. وی در عین برگزاری کلاس بر ارتباط با طبیعت تأکید داشت و حساسیت خاص کودکان به طبیعت تا نوجوانی ادامه دارد، طبیعت نیروی مشاهده و احساس عشق را تقویت می‌کند. به همین دلیل از کارهای باغبانی و کشاورزی برای ایجاد احساس مسئولیت و آینده‌نگری استفاده می‌کرد. وی بیان می‌کرد که کودکان از این اعمال یاد

می‌گیرند که همه مخلوقات خداوند هستند. وی در آموزش مخالف تقویت خیال‌پردازی کودکان بود. گرچه معتقد بود کودکان یک گرایش طبیعی به خیالبافی دارند اما باید به کنترل آن پردازیم. البته تحلیل فعال هنرمندانه را تأیید می‌کرد زیرا این نوع خلاقیت وابسته به واقعیت است. برای افزایش خلاقیت کودکان باید قدرت تمیز و تشخیص را در آنها پرورش دهیم. در زمینه دوره ابتدایی (۶ تا ۱۲ سالگی) چون معتقد بود کودکان در این حالت به جهان بیرون بیشتر توجه می‌کنند از داستان‌هایی به نام «طرح عالم هستی» استفاده می‌کرد که شامل مبدأ حیات تا رشد فناوری بود و هدف آن پرورش قدرت تخیل کودکان است. از سفرهای بیرون از مدرسه استفاده می‌کرد.

در زمینه دوره متوسطه وی بر نیازهای عمیق و شخصی نوجوانان بر بهبود وضعیت اجتماعی خود و تردیدهای شخصی آنها تأکید داشت. بنابراین بر کار معنادار واقعی تأکید می‌کرد مانند کشاورزی و کارهای تجاری. روی هم رفته هدف مونتسوری تقویت خصوصیات درونی بود نه کسب نمره بالا در پیشرفت تحصیلی، همچنین به نگرش کودکان در مورد یادگیری اهمیت می‌داد نه به آزمون‌های پلکانی پیشرفت تحصیلی.

امروزه فرضیه‌های بیوفیلیا که در زمینه ارزش‌گذاری به حیات کار می‌کنند از پیروان مونتسوری در این زمینه هستند. البته به عقیده دیویی معلم مدرسه مونتسوری گاهی خلاقیت و آزادی کودک را محدود می‌سازد بویژه زمانی که کودک کار را دشوار می‌یابد. مونتسوری بسیاری از جنبه‌های عاطفی را نادیده گرفته است زیرا بازی و نقاشی آزاد را تشویق نمی‌کرد. در واقع کلاس‌های مونتسوری دارای کیفیتی غیرعاطفی و سرد است. چنان که بتلهایم معتقد است که داستان‌های تخیلی که مونتسوری مخالف آنها بود کودکان را غیرمستقیم تشویق می‌کند مستقل بارآیند و در موقعیت‌های مختلف از هوش خود استفاده کنند. ضمناً گوش دادن به داستان یک امر فعالانه است.

وراثت و محیط

یکی از مباحث قدیمی در همه‌ی زمینه‌های روان‌شناسی بویژه در روان‌شناسی رشد نقش وراثت و محیط یا طبیعت و تربیت بوده است. در دوران اوتلیه که نظریه‌های زیستی حاکم بود، روان‌شناسان معتقد بودند که وراثت از محیط نقش بسیار تعیین‌کننده‌تری دارد، با پیدایش نظریه رفتارگرایی گرایش به طرفدارای از محیط افزایش پیدا کرد، چنان که آنها معتقد بودند که محیط یا تربیت عامل اصلی و تعیین‌کننده رشد است. اما امروزه دیگر کسی صرفاً طرفدار وراثت یا محیط نیست بلکه همه روان‌شناسان معتقدند که تعامل^۱ بین وراثت و محیط موجب رشد فرد است. یعنی وراثت و محیط بر یکدیگر اثر متقابل دارند. بنابراین هر کدام از عوامل مذکور ناقص باشد نتیجه آن رشد ناقص

1- interaction

خواهد بود. در عین حال باید توجه کرد که یک محیط خوب (غنی) هرگز نمی‌تواند جایگزین یک وراثت بد (ناقص) باشد. اما یک محیط بد می‌تواند از بروز یک وراثت خوب جلوگیری نماید. البته نقش هر کدام از این عوامل بستگی به موضوع و ویژگی‌های خاص متفاوت است، یعنی در برخی ویژگی‌ها ممکن است وراثت و در برخی ویژگی‌ها محیط نقش بیشتری داشته باشد. اما در هر حال رشد ناشی از تعامل بین وراثت و محیط است. در ارتباط با بحث وراثت و محیط امروزه یکی از جدیدترین رویکردها، نظریه خلق و خو^۱ است که توسط باس و پلامین ارائه شده است. البته زمینه‌های تاریخی آن به دیدگاه مجسمه‌شناسی^۲ گال، اصل انواع داروین، ژنتیک مندل، تأکید گالتن بر ارثی بودن نبوغ، طبقه‌بندی بیماری‌های روانی توسط کراپلین، کارهای کرچمر و شلدن و پس از آنها پژوهش‌های طولی توماس و چس است. آلکساندر توماس و استلاچس الگوی کیفیت خوب تطابق را ارائه داده و براساس پژوهش‌های خود نه بُعد خلق و خو را مشخص کرده‌اند:

- ۱- سطح فعالیت: نشان دهنده نسبت دوره‌های فعال به دوره‌های غیرفعال است.
 - ۲- کیفیت خلق: نشان دهنده نسبت رفتارهای خوشایند به رفتارهای ناخوشایند است.
 - ۳- نزدیکی یا کناره‌گیری: نشان دهنده واکنش کودک نسبت به اشیاء و افراد غریبه است.
 - ۴- حواس پرتی: نشان دهنده میزان تغییر رفتار کودک در اثر عوامل محیطی است.
 - ۵- سازگاری: نشان دهنده نحوه کنار آمدن کودک با تغییرات محیطی است.
 - ۶- فراخوانی توجه و استقامت: نشان دهنده میزان توجه و پایداری کودک در یک فعالیت خاص است.
 - ۷- شدت واکنش: نشان‌دهنده میزان انرژی کودک در پاسخ به محرک‌ها است.
 - ۸- نظم: نشان‌دهنده میزان نظم در فعالیت‌های طبیعی بدن مانند دوره‌های خواب و بیداری است.
 - ۹- آستانه پاسخ‌دهی: نشان دهنده حداقل ترکیبی است که برای برانگیختگی کودک لازم است.
- براساس الگوی کیفیت خوب تطابق، کیفیت خوب تطابق عبارت است از به وجود آوردن محیط‌های فرزندپروری که خلق و خوی هر کودک را تأیید کنند و در عین حال عملکرد سازگارانه‌تری را ترغیب نمایند. مثلاً روش انضباط تنبیهی برای کودکان دشوار موجب تداوم مشکلات ناسازگاری آنها می‌شود (عدم تطابق روش تربیتی با خلق و خوی کودک) در نتیجه سبک تحریک‌پذیری و تعارضی را حفظ می‌کند در حالی که روش تربیتی مهربان و دلسوزانه موجب کاهش مشکلات می‌شود. الگوی کیفیت خوب تطابق بر منحصر بفرد بودن افراد تأکید دارد. کیفیت خوب تطابق محور دلبستگی کودک به مراقبت‌کننده است.

همچنین روت بارت و جنیفر، شش بعد خلق و خو را مطرح کرده‌اند که در ابعاد سطح فعالیت، نظم، گستره توجه و استقامت با الگوی توماس و چس مطابقت دارد و سه بُعد عاطفه مثبت (مقدار

1- temperament

2- Phrenology

ابراز خوشحالی و لذت) روان رنجوری همراه با ترس (که مدت زمان سازگاری با موقعیت‌های جدید را نشان می‌دهد همراه با نگرانی نسبت به محرک‌های جدید) و روان رنجوری پرخاشگرانه (که شدت فعالیت‌ها را هنگام ناکامی نشان می‌دهد) را متفاوت از آنها ارائه داده‌اند.

پژوهشگران با توجه به ابعاد خلق و خو، کودکان را در سه طبقه زیر قرار داده‌اند:

- ۱- **کودکان آسان**^۱: کودکانی سرحال که با تجربه‌ها و موقعیت‌های جدید به راحتی سازگار می‌شوند.
- ۲- **کودکان دشوار**^۲: کودکانی که با تجربه‌ها و موقعیت‌های جدید به سختی کنار می‌آیند و معمولاً به صورت منفی و شدید پاسخ می‌دهند. متوقع بوده و راضی کردن آنها دشوار است.
- ۳- **کودکان کم تحرک (دیرجوش)**^۳: کودکانی که غیرفعال بوده و دارای واکنش کند هستند و با تجربه‌ها و موقعیت‌های جدید به کندی سازگار می‌شوند و معمولاً دارای خلق منفی نیز هستند. اما پژوهش‌های اخیر باس و پلامین و همچنین کاگان، امروزه بیشتر مورد توجه هستند. آنها در تعریف خلق و خو آن را یک خصیصه فردی سازمان‌مند جسمانی می‌دانند که شیوه اندیشه، احساس و عمل هر شخص را برای همیشه تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارتی مفهوم خلق و خو یا مزاج به هر نوع رفتار یا هیجانی اطلاق می‌شود که تا حدودی ثابت و متمایز کننده است و بروز آن در نوزادی تحت تأثیر عوامل زیستی از جمله تفاوت‌های عصبی - شیمیایی مهمتر است. عنصر اصلی در مفهوم خلق و خو تفاوت‌های فردی اولیه در کیفیت رفتارهای هیجانی است که تا حدودی پایدار، ارثی و بر مبنای فرایندهای زیستی است. در پژوهش‌های باس و پلامین از درجه‌بندی رفتار والدین برای تعریف چهار نوع خلق و خو از جمله سطح فعالیت، هیجان‌پذیری، مردم‌آمیزی و تکانشگری استفاده گردید. این پژوهش‌ها تأیید کرد که خلق و خو در طول زمان مداوم و عمدتاً ارثی است. [البته تکانشگری به دلیل عدم صراحت در تحلیل عوامل حذف گردید. مؤلف]

همچنین پژوهش‌های کاگان نشان داده است که تفاوت‌های فردی سرشتی در انگیزتگی بادامه (ساختار مغزی که واکنش‌های اجتنابی را کنترل می‌کند) دخالت دارد. در کودکان کمرو و خوددار محرک‌های تازه و بویژه تهدید کننده به راحتی بادامه را برانگیخته می‌سازد. در حالی که کودکان بسیار مردم‌آمیز و اجتماعی دارای کمترین برانگیختگی هستند. بنابراین میزان ضربان قلب، ترشح کورتیزول، گشادی مردمک چشم و فشار خونی در کودکان کمرو بیشتر است. در صورتی که کمرویی ادامه یابد به احتیاط کاری زیاد، عزت‌نفس پایین و تنهایی منجر می‌شود. در نوجوانی خطر اضطراب شدید بویژه فوبی اجتماعی را افزایش می‌دهد. ضمناً براساس تحقیقات مذکور میزان فعالیت نیمکره راست در کودکان کمرو بیشتر از نیمکره چپ آنها می‌باشد. در حالی که در کودکان

1- easy child

2- difficult child

3- slow-to-warm-up child

مردم‌آمیز درست برعکس می‌باشد^۱. در عین حال خلق و خو به شکل ذاتی انعطاف‌پذیر است. بنابراین طرفداران این نظریه معتقدند که اولین شرط رشد سالم انطباق روش‌های فرزند پروری با خلق و خوی کودک است.

خلق و خو عبارت است از تفاوت‌های فردی با ثبات در واکنش‌پذیری و خودگردانی که از همان ابتدای زندگی آشکار می‌شود. خلق و خو به مبنای ژنتیکی تفاوت‌های فردی در شخصیت اشاره دارد.

روش‌های پژوهش در نظریه‌های خلق و خو

خلق و خو معمولاً از طریق مصاحبه و پرسشنامه‌هایی که به والدین داده می‌شود ارزیابی می‌گردد.

۱- تولید مثل انتخابی^۲ (آمیزش نژادهای مختلف یک نوع حیوان)

۲- مطالعه دو قلوها

۳- مطالعه فرزندخواندگی

۴- مطالعه خانوادگی

چند اصطلاح در ژنتیک رفتاری

توارث‌پذیری:^۳ شامل مقدار تفاوت‌های فردی در صفات پیچیده‌ای مانند هوش و شخصیت که ناشی از عوامل ژنتیکی هستند، در یک جمعیت خاص و در یک زمان خاص است. توارث‌پذیری خطر اهمیت بیش از حد به عوامل ژنتیکی و نادیده گرفتن عوامل محیطی را همراه دارد. توارث‌پذیری از تحقیقات خویشاوندی که خصوصیات اعضای خانواده را مقایسه می‌کنند حاصل می‌شود.

تطابق:^۴ منظور از تطابق درصد مواردی است که دو قلوها یک صفت را نشان می‌دهند. هر چقدر میزان تطابق بیشتر باشد نشانه دخالت بیشتر ژنتیک است.

دامنه واکنش:^۵ این مفهوم تأکید دارد که هر کسی به خاطر ساخت ژنتیکی‌اش به شیوه منحصر به فرد به محیط پاسخ می‌دهد.

سوق‌دهندگی (هدایت کردن):^۶ این مفهوم شامل گرایش وراثت به محدود کردن رشد چندین ویژگی به فقط یک یا چند پیامد رفتاری است که قویاً سوق یافته است. به عبارتی از برنامه رشدی پیروی می‌کند که به صورت ژنتیکی تعیین شده است و فقط نیروهای محیطی قدرتمندی می‌توانند آن را تغییر دهند. پلامین معتقد است که ژنتیک رفتاری با دو پیام طبیعت و تربیت سروکار دارد.

۱- به خاطر داشته باشیم که نیمکره چپ در پاسخ دادن به هیجان مثبت و نیمکره راست در پاسخ دادن به هیجان منفی فعالتر است. (مؤلف)

2- *Selective breeding*

3- *heritability*

4- *Concordant*

5- *reaction amplitude*

6- *Canalization*

در این زمینه وی محیط مشترک و غیرمشترک را مطرح کرده است. منظور از محیط مشترک محیط‌هایی است که در نتیجه زندگی در یک خانواده برای همشیرها به وجود می‌آید و محیط غیرمشترک به محیط‌هایی گفته می‌شود که بین همشیره‌هایی که در یک خانواده رشد کرده‌اند، مشترک نیست. به عقیده کاگان تجربه تأثیر قدرتمندی بر خلق و خو دارد. تأثیرات ژنتیکی با توجه به صفت خلق و خو و سن افراد تفاوت دارند. چنان که برآورد توارث‌پذیری برای ابراز هیجان منفی از هیجان مثبت بالاتر است و نقش وراثت در نوباوگی خیلی کمتر از کودکی و سال‌های بعدی است زیرا خلق و خو در سنین بالاتر باثبات‌تر است. در عین حال محیط نیز می‌تواند عمیقاً خلق و خو را تغییر دهد. مثلاً محرومیت غذایی و عاطفی می‌تواند به واکنش‌پذیری هیجانی ناسازگارانه منجر شود. در خانواده‌هایی که چندین فرزند دارند، تأثیر بیشتری بر خلق و خو اعمال می‌شود.

همبستگی ژنتیکی - محیطی

از مفاهیم دیگر نظریه خلق و خو، همبستگی ژنتیکی - محیطی است، براساس این مفهوم ژن‌های ما بر محیط‌هایی که با آنها مواجه می‌شویم تأثیر می‌گذارند.

پژوهش‌های اخیر در حمایت از این مفهوم نشان داده است که هرچه شباهت ژنتیکی بین یک جفت نوجوان بیشتر باشد، آنها در فرزند پروری و کنترل کردن فرزندانشان بیشتر به هم شبیه هستند. این نوع همبستگی به سه شکل زیر وجود دارد:

۱- همبستگی انفعالی

این نوع همبستگی بیشتر در سنین پایین حاکم است، کودک کنترلی بر آن ندارد و شامل انتخاب محیط توسط والدین است که تحت تأثیر وراثت خودشان این کار را انجام می‌دهند.

۲- همبستگی فراخوانشی^۱

کودکان پاسخ‌هایی را از دیگران فرامی‌خوانند که تحت تأثیر وراثت آنها قرار دارند.

۳- همبستگی فعال

کودکان محیط‌هایی که با گرایش‌های ژنتیکی آنها تناسب دارد را انتخاب می‌کنند. گرایش به انتخاب فعال محیط‌هایی که وراثت ما را تکمیل می‌کند موقعیت‌گزینی^۲ نامیده می‌شود. نوباوگان و کودکان زیاد نمی‌توانند موقعیت‌گزینی کنند زیرا والدین محیط‌ها را برای آنها انتخاب می‌کنند. در مقابل نوجوانان و بزرگسالان به طور فزاینده‌ای مسئول انتخاب محیط‌های خود هستند. امروزه تأثیر ژن بر محیط و محیط بر ژن یک تأثیر دو جهتی است که تحت عنوان اصل یا چارچوب اپی ژنتیک، رشد از تبادل‌های جاری و دو جهتی بین وراثت و تمام سطوح محیط حاصل می‌شود.

1- evocative correlation

2- nich-picking

پژوهش‌های جدید بر ثبات خلق و خو (در کودکی و بزرگسالی) تأکید دارند و دلیل این امر آن است که خلق و خو با بالا رفتن سن شکل می‌گیرد. ضمناً پیش‌بینی‌های بلندمدت از خلق و خوی اولیه بعد از ۲ سالگی بسیار دقیق‌تر است. کودکان بین ۲/۵ تا ۳ سالگی تکالیفی را که نیازمند کنترل فعال هستند (منتظر پاداش ماندن، زمزمه کردن) با ثبات‌تر هستند و دلیل آن رشد سریع قطعه‌های پیشانی است که در کنترل تکانه‌ها دخالت دارد.

نکات کلیدی

- ۱- در سال‌های نخست کودکی بین تخیل و واقعیت رابطه نزدیکی وجود ندارد.
- ۲- گذشت زمان عامل اساسی پختگی یارزش است.
- ۳- پختگی به رشد اعضای بدن و کسب توانایی‌های عملکرد مطلوب آنها بستگی دارد.
- ۴- پختگی یعنی تحقق الگوهای رفتاری که ژنتیک تعیین کرده است.
- ۵- پختگی به تجربه‌ها نیازی ندارد اما یادگیری به رشد جسمی، پختگی و تجربه وابسته است.
- ۶- الگوی عام به خاص رشد شامل استفاده تدریجی و تخصصی از اعضاء بدن است.
- ۷- تفاوت‌های فردی در رشد تقریباً ثابت است.
- ۸- منظور از رشد ناپیوسته تغییرات جهشی (ناگهانی) و کیفی الگوهای رفتار است.
- ۹- علت اصلی تفاوت مراحل با یکدیگر تفاوت کیفی در ساخت است.
- ۱۰- اریکسون و برونر از جمله نظریه‌های مرحله‌ای هستند که عوامل اجتماعی و فرهنگی را تعیین کننده‌تر از عوامل زیستی می‌دانند.
- ۱۱- روش مشاهده طبیعی مستقل از توانایی یا اراده آزمودنی است.
- ۱۲- مشاهده طبیعی یعنی به رویدادها اجازه حرف زدن دادن.
- ۱۳- اثر هاوتورن یعنی تغییر رفتار طبیعی آزمودنی که در روش مشاهده طبیعی مشاهده می‌شود.
- ۱۴- امتیاز اصلی روش مشاهده دارای ساخت «کنترل» است.
- ۱۵- در روش مشاهده تعاملی (زمینه‌یابی) هم از پرسشنامه و هم از مصاحبه بالینی استفاده می‌شود.
- ۱۶- مشاهده مضاعف از ویژگی‌های روش مشاهده تعاملی است.
- ۱۷- در روش فراتحلیل، آزماینده پژوهش جدیدی انجام نمی‌دهد.
- ۱۸- در روش طولی عده‌ی معینی به صورت مکرر بررسی می‌شوند.
- ۱۹- در روش طولی هدف پی‌گیری اثر است.
- ۲۰- در روش مقطعی آزمودنی‌های سنین مختلف (ویژگی اصلی) در یک نقطه زمانی معین بررسی می‌شوند (مقایسه لحظه‌ها).
- ۲۱- نقطه ضعف اصلی روش مقطعی در قابل مقایسه بودن گروه‌ها است.
- ۲۲- روش زنجیره‌ای ترکیب روش‌های طولی و مقطعی است.
- ۲۳- در روش همبستگی رابطه (زمانی - پیش‌بینی) بدست می‌آید اما رابطه علت و معلولی نیست.
- ۲۴- متغیر پیش‌بین و متغیر ملاک از اصطلاحات روش همبستگی است.
- ۲۵- تنها در شرایط ضریب همبستگی کامل (± 1) می‌توان یک متغیر را از روی متغیر دیگر با احتمال نزدیک به صددرصد درست پیش‌بینی کرد.

- ۲۶- مهمترین ویژگی روش آزمایشی (تجربی) کنترل است که به صورت تصادفی حاصل می‌شود.
- ۲۷- در روش آزمایشی به رابطه علت و معلولی می‌توان پی برد.
- ۲۸- از روش تک بررسی زمانی استفاده می‌شود که شرایط ویژه زندگی یک فرد را نمی‌توان تکرار کرد.
- ۲۹- مطالعه موردی یا تک بررسی انعطاف‌پذیرترین روش تحقیق است.
- ۳۰- مهمترین روش مطالعه موردی، روش بالینی است.
- ۳۱- سازش یافته‌ترین شکل مطالعه رفتار عینی انسان روش بالینی است.
- ۳۲- هدف روان‌شناسی رشد توصیف، توضیح و پیش‌بینی رفتار است.
- ۳۳- تحقیق علمی و تجربی درباره کودک در قرن هفدهم و توسط آموس کمینیوس آغاز شده است.
- ۳۴- داروین از پیشگامان مطالعه علمی کودک است و روان‌شناسی تطبیقی نیز با وی آغاز شده است.
- ۳۵- براساس مفهوم پدیده باز زیستی، داروین معتقد است دوران کودکی شبیه به تکرار مراحل تکامل بشری است.
- ۳۶- سه اصل مهم داروین شامل تغییرات زیستی- در طول تکامل با هدف انطباق و سازگاری است.
- ۳۷- داروین غرایز اجتماعی را نیز جهت بقای گروه مطرح کرده است.
- ۳۸- به عقیده داروین در مورد انسان ظرفیت‌های رفتار اجتماعی و منطق همراه با ویژگی‌های جسمانی متحمل انتخاب طبیعی قرار گرفته است.
- ۳۹- داروین نخستین کردارشناس محسوب می‌شود.
- ۴۰- جان لاک پدر محیط‌گرایی است.
- ۴۱- جان لاک پذیرفت که افراد مزاج‌ها و سرشت‌های خاص دارند اما در عین حال معتقد بود محیط ذهن را شکل می‌دهد.
- ۴۲- به عقیده جان لاک دوره شیرخوارگی بدلیل حداکثر انعطاف‌پذیری ذهن در یادگیری دارای اهمیت است.
- ۴۳- به عقیده جان لاک محیط ابتدا از طریق تداومی‌ها ذهن را شکل می‌دهد.
- ۴۴- به عقیده جان لاک ما از طریق تکرار (قانون فراوانی در یادگیری) و تقلید (یادگیری مشاهده‌ای و الگوبرداری) و پاداش و تنبیه یاد می‌گیریم.
- ۴۵- جان لاک هدف اصلی آموزش را خودانضباطی می‌داند.
- ۴۶- جان لاک معتقد بود که کودکان قواعد انتزاعی را نمی‌فهمند و باید از نمونه و الگو در تربیت آنها استفاده کرد.
- ۴۷- جان لاک رشد را پیوسته می‌داند و کودکان را موجودی منفعل می‌داند.
- ۴۸- ژان ژاک روسو پدرسنت‌رشدگرایی است.
- ۴۹- روسو معتقد بود کودکان حالات و روش‌های خاص خود را دارند.

- ۵۰- اصطلاح وحشی‌های بزرگوار روسو بیان می‌کرد که کودکان ذاتاً از احساس تشخیص درست و نادرست برخوردارند.
- ۵۱- فلسفه روسو فلسفه کودک محوری بود.
- ۵۲- روسو معتقد بود در مرحله شیرخوارگی، دنیا از طریق درک مستقیم توسط حواس شیرخوار درک می‌شود.
- ۵۳- به عقیده روسو کودکان فعال و کنجکاو هستند.
- ۵۴- به عقیده روسو کودکان خودشان قواعد دستوری را به کار گرفته و خود را اصلاح می‌کنند.
- ۵۵- روسو کودکان ۲ تا ۱۲ ساله را دارای منطق شهودی می‌دانست.
- ۵۶- روسو بین ۱۲ تا ۱۵ سالگی را زمان پرورش کارکردهای شناختی از طریق کارهای عینی می‌دانست.
- ۵۷- روسو معتقد بود در سه مرحله شیرخوارگی (نوباوگی)، کودکی و اواخر کودکی، کودکان به طور طبیعی در مرحله پیش اجتماعی قرار دارند.
- ۵۸- روسو دوره نوجوانی را دوره اجتماعی شدن انسان می‌دانست.
- ۵۹- روسو معتقد بود چهار مرحله رشد انسان را می‌توان به صورت تکرار تکامل عمومی نوع انسان دانست (شبیه داروین).
- ۶۰- به عقیده روسو کودکان ظرفیت آموختن توسط خود را دارند و راهنمایی بزرگسالان ضروری نیست.
- ۶۱- به عقیده روسو هدایت کودک او را ترسو، مضطرب و وابسته می‌سازد. باید کودک علم را کشف کند.
- ۶۲- روسو معتقد به پرورش جسم و حواس کودک بود (روشی صرفاً منفی) یعنی تا جایی که ممکن باشد ذهن کودک را دستکاری نمی‌کرد.
- ۶۳- روسو معتقد به پختگی و بلوغ زیستی بود، رشد را مرحله‌ای و ناپیوسته می‌دانست.
- ۶۴- پستالوزی بر تناسب آموزش با کودک تأکید داشته و شرایط یادگیری را بسیار مهم می‌دانست. همچنین کمبود محبت والدین را مانع رشد عادی می‌دانست.
- ۶۵- هال بنیان‌گذار جنبش مطالعه کودک بود و رشد را فرایندی ژنتیکی می‌دانست.
- ۶۶- هال و گزل رویکرد هنجاری در مطالعه کودک را ارائه دادند.
- ۶۷- هال برای اولین بار از پرسش و مصاحبه استفاده کرد.
- ۶۸- هال پدر روان‌شناسی نوجوانی است.
- ۶۹- مفهوم طوفان و فشار و تولد دوباره از اصطلاحات هال برای دوره نوجوانی است.
- ۷۰- جان دیوئی تحت تأثیر روسو معتقد به کنجکاوی ذاتی انسان بود.
- ۷۱- مکتب شیکاگو و نظام‌کشی شهرت‌های دیدگاه جان دیوئی است.
- ۷۲- جان دیوئی بر آموزش از طریق عمل بسیار تأکید داشت.
- ۷۳- رشد ناشی از تعامل بین وراثت و محیط است.
- ۷۴- نظریه خلق و خو که توسط باس و پلامین ارائه شده، جدیدترین بحث وراثت و محیط است.

- ۷۵- سطح فعالیت نشان دهنده‌ی نسبت دوره‌های فعال و به دوره‌های غیرفعال است.
- ۷۶- گستره توجه و استقامت نشان دهنده میزان توجه و پایداری کودک در یک فعالیت خاص است.
- ۷۷- بارت و جنیفر درسه بعد سطح فعالیت - گستره توجه و استقامت و نظم با الگوی نه بعدی توماس و چس مطابقت دارند.
- ۷۸- پژوهشگران با توجه به ابعاد خلق و خو کودکان را در سه طبقه‌ی آسان، دشوار و کم تحرک تقسیم‌بندی کرده‌اند.
- ۷۹- خلق و خو یک خصیصه فردی سازمان‌مند جسمانی است که شیوه اندیشه، احساس و عمل فرد را برای همیشه تحت تأثیر قرار می‌دهد.
- ۸۰- عنصر اصلی در خلق و خو تفاوت‌های فردی اولیه در کیفیت رفتارهای هیجانی است که بر مبنای فرایندهای زیستی است.
- ۸۱- در پژوهش‌های باس و پلامین از درجه‌بندی والدین در چهار زمینه سطح فعالیت، هیجان‌پذیری، مردم‌آمیزی و تکانشگری استفاده شده است.
- ۸۲- در پژوهش‌ها کاگان علت کمرو بودن برخی کودکان حساسیت بادامه و فعال تر بودن نیمکره راست تشخیص داده شده است.
- ۸۳- خلق و خو به شکل ذاتی انعطاف‌پذیر نیز است.
- ۸۴- اولین شرط رشد سالم از دیدگاه خلق و خو، انطباق روش‌های فرزندپروری با خلق و خوی کودک است.
- ۸۵- نظریه خلق و خو از جمله پژوهش‌های ژنتیک رفتاری محسوب می‌شود.
- ۸۶- در نظریه خلق و خو از روش‌های تولید مثل انتخابی، مطالعه دو قلوها، مطالعه فرزندخواندگی و مطالعه خانوادگی استفاده شده است.
- ۸۷- توارث‌پذیری شامل مقدار تفاوت‌های فردی در صفات پیچیده‌ای مانند هوش و شخصیت است که ناشی از عوامل ژنتیکی هستند، در یک جمعیت خاص و در یک زمان خاص.
- ۸۸- تطابق یعنی درصد مواردی که دو قلوها یک صفت را نشان می‌دهند.
- ۸۹- دامنه واکنش یعنی پاسخ منحصر به فرد هر فرد که ناشی از ژنتیک است.
- ۹۰- سوق دهنده‌گی یعنی گرایش وراثت به محدود کردن رشد چندین ویژگی به یک یا چند پیامد رفتاری.
- ۹۱- همبستگی انفعالی بیشتر در سنین پایین حاکم است.
- ۹۲- همبستگی فراخوانشی یعنی کودکان تحت تأثیر وراثتشان پاسخ‌هایی را در دیگران فرامی‌خوانند.
- ۹۳- همبستگی فعال یعنی انتخاب نوع محیط براساس گرایش‌های ژنتیک.

[سؤال‌های طبقه‌بندی شده فصل اول]

- ۱- طرفداران مدارس گشوده در آموزش و پرورش کودکان باورهای ژان ژاک روسو را با اندیشه‌های..... در هم آمیخته‌اند.
(آزاد ۸۰)
- الف) جان دیویی (ب) جروم برونر (ج) توماس هابز (د) جان لاک
- ۲- چه کسی نوجوانی را وارد روان‌شناسی کرد؟
(آزاد ۸۲)
- الف) گزل (ب) پیازه (ج) هال (د) روسو
- ۳- پدر روان‌شناسی بلوغ چه کسی بود؟
(آزاد ۸۲)
- الف) ارسطو (ب) افلاطون (ج) دبس (د) هال
- ۴- کدام‌یک از اندیشمندان زیر معتقد بود که انسان ذاتاً سالم و خوب به دنیا می‌آید؟ (سراسری ۸۲)
- الف) فروید (ب) روسو (ج) پیازه (د) اریکسون
- ۵- وقتی کودکان سنین مختلف را در یک زمان معین مورد مطالعه قرار می‌دهیم، از کدام روش تحقیق بهره می‌گیریم؟
(سراسری ۸۲)
- الف) عرضی (مقطعی) (ب) موردی
ج) طولی (د) مشاهده طبیعی
- ۶- روان‌شناسی می‌خواهد تأثیر بی‌خوابی بر پاسخگویی دانش‌آموزان به سؤالات امتحانی را اندازه بگیرد. در این مثال فرضی، متغیر مستقل کدام است؟
(سراسری ۸۲)
- الف) پاسخگویی به سؤالات (ب) دانش‌آموزان
ج) نتیجه امتحان (د) بی‌خوابی
- ۷- برای مطالعه تحول (ثبات و تغییر) ویژگی‌هایی مانند نوع دوستی و ارتباط آن با سایر متغیرها استفاده از کدام روش مناسب‌تر است؟
(سراسری ۸۲)
- الف) عرضی (مقطعی) (ب) طولی
ج) آزمایشی (د) همبستگی
- ۸- روش آموزش کودک از طریق عمل و تجربه را چه کسی مطرح کرد؟
(سراسری ۸۲)
- الف) هال (ب) دیوئی (ج) اسکینر (د) اریکسون
- ۹- تا چه قرنی تعریفی بهتر از تعریف ارسطو برای نوجوانی نبود؟
(آزاد ۸۲)
- الف) ۲۰ (ب) ۱۹ (ج) ۱۸ (د) ۱۷

- ۱۰- تفاوت رشد جسمی با پختگی این است که رشد، یعنی بزرگ شدن و پختگی یعنی
(سراسری ۸۳)
- الف) حالات بهنجار رفتار
ب) کسب توانایی‌های تازه
ج) دگرگونی‌های تدریجی در جسم
د) توانایی راه رفتن و سخن گفتن
- ۱۱- یکی از امتیازهای روش مطالعه عرضی است.
(سراسری ۸۳)
- الف) صرفه‌جویی در زمان
ب) متعادل بودن نمونه‌ها
ج) مطالعه رشد در طول زمان
د) ارزیابی تداوم رفتارها
- ۱۲- هدف (روان‌شناسی رشد) عبارت است از :
(سراسری ۸۳)
- الف) توصیف، تشریح، پیش‌بینی و تغییر رفتارها
ب) بررسی چگونگی انعقاد نطفه و تبدیل آن به فرد کامل
ج) مطالعه علمی رفتار و فرآیندهای ذهنی انسان
د) مطالعه چگونگی تغییر اشخاص و ثبات برخی ویژگی‌های آنها
- ۱۳- وقتی مجموعه‌ای از پژوهش‌هایی را که بیشتر انتشار یافته‌اند مورد پردازش قرار می‌دهیم از چه روشی استفاده کرده‌ایم؟
(سراسری ۸۴)
- الف) روش تعاملی
ب) روش فراتحلیلی
ج) روش مشاهده طبیعی
د) روش مشاهده ساخت دار
- ۱۴- در کدام یک از روش‌های تحقیق می‌توان به رابطه علی بین متغیرها دست یافت؟ (سراسری ۸۴)
- الف) آزمایشی
ب) مشاهده
ج) مصاحبه
د) بالینی
- ۱۵- کدام یک از فرآیندهای زیر شامل تغییرهای کم و بیش پیش‌بینی‌پذیر در رفتار همراه با افزایش سن می‌باشد؟
(آزاد ۸۴)
- الف) پیری
ب) رشد
ج) طبیعت در مقابل پرورش
د) دوره بحرانی
- ۱۶- رشد جسمانی سیستماتیک سیستم عصبی و دیگر ساختارهای جسمی چه خواننده می‌شوند؟
(آزاد ۸۴)
- الف) رسش
ب) تجربه اولیه
ج) دوره بحرانی
د) طبیعت در برابر پرورش
- ۱۷- اگر با پردازش یا تحلیل نتایج تحقیقات دیگران به یافته‌هایی دست یابیم از چه روشی استفاده کرده‌ایم؟
(سراسری ۸۵)
- الف) فراتحلیلی
ب) تحلیل محتوا
ج) تحلیل روانی
د) مشاهده طبیعی

۱۸- طبق نظر آرنولد باس و رابرت پلامین (*Buss and Plumin*) به استثنای سایر موارد زیر مبنای موروثی دارند. (آزاد ۸۵)

- (الف) مردم‌آمیزی
(ب) تکانشگری
(ج) سبک شناختی
(د) سطح فعالیت

۱۹- نظریه مرحله‌ای فرایند مرگ توسط چه کسی مطرح شد؟ (آزاد ۸۶)

(الف) هازن و شیور (ب) کوبلر راس (ج) پارکس (د) پارکس و واکس

۲۰- اگر نظریه‌ای مبتنی بر «رسش» یعنی برنامه‌ی سنی مشخص استوار باشد آن را نظریه‌ی می‌نامیم. (سراسری ۸۷)

- (الف) پردازش اطلاعات
(ب) تکاملی
(ج) محیط‌گرا
(د) مرحله‌ای

۲۱- کدامیک از مفاهیم زیر از مؤلفه‌های مهم نظریه ماریا مونتسوری است؟ (سراسری ۸۷)

(الف) خودگردانی شناختی (ب) دوره حساس
(ج) طوفان و فشار (د) وقفه هویتی

۲۲- کدام یک از مفاهیم رشدی برگرفته از اندیشه‌های ژان ژاک روسو بوده است؟ (سراسری ۸۸)

(الف) نقش‌پذیری (ب) سرمشق‌گیری
(ج) رسش‌زیستی (د) دل‌بستگی

۲۳- کدام عبارت در مورد نظریه‌های «مرحله‌ای» در رشد صادق است؟ (سراسری ۸۹)

(الف) الگوی رشد به فرهنگ وابسته است
(ب) برنامه زیستی رسش قابل پیش‌بینی است
(ج) الگوی رشد وابسته به محیط است
(د) برنامه زیستی رسش به هدف رشد وابسته است

۲۴- براساس تاریخچه روان‌شناسی رشد، پیشکسوتان ابتدای قرن بیستم چه کسانی بودند؟ (سراسری ۹۰)

- (الف) پیازه، گزل، والن (ب) فروید، استانلی هال، بینه
(ج) پیازه، ویگوتسکی، اریکسون (د) فروید، بینه، گزل

۲۵- کدام نظریه پرداز، فلسفه کودک مداری را در رشد کودکان پایه‌گذاری کرد؟ (سراسری ۹۱)

(الف) استانلی هال (ب) جان لاک (ج) پیازه (د) ژان ژاک روسو

- ۲۶- کدام عبارت مربوط به کودک مدرسه‌ی مونته‌سوری است؟
 الف) معلم به من یاد داد که بخوانم.
 ب) ما برای رفتن به توالت، اجازه می‌گیریم.
 ج) معلم به من اعتراض می‌کند و من دچار دردسر می‌شوم.
 د) ما می‌توانیم در هر زمینه‌ای که دلمان بخواهد، کار کنیم.
 (سراسری ۹۶)
- ۲۷- کدام نظریه‌پرداز، فلسفه کودک‌مداری را پایه‌گذاری کرد و معتقد بود که بزرگسالان در همه مراحل رشد باید پذیرای نیازهای کودک باشند؟
 الف) آرنولد گزل ب) جان لاک ج) ژان‌ژاک روسو د) مایامونته سوری
 (سراسری ۹۶)
- ۲۸- بر اساس کدام ویژگی رشد، کودکان کوتاه قد در سنین بعدی نیز کوتاه قد خواهند ماند؟
 الف) ثبات تفاوت‌های فردی ب) الگوی معین رشد
 ج) جریان مداوم رشد د) عام به خاص بودن رشد
 (تألیفی)
- ۲۹- روان‌شناسی که تأثیر رفتار پرخاشگرانه را در کودکان از طریق نمایش فیلم‌های پرخاشگرانه برای گروه آزمایش و عدم نمایش این فیلم‌ها را برای گروه گواه می‌سنجد، از چه نوع مشاهده‌ای استفاده می‌نماید؟
 الف) مشاهده طبیعی ب) مشاهده ساخت‌داری
 ج) مشاهده تعاملی د) مشاهده محض
 (تألیفی)
- ۳۰- برای جلوگیری از سوگیری‌های بین فرهنگی روان‌شناسان از چه روشی سود می‌برند؟
 الف) طولی ب) عرضی ج) تطبیقی د) مقطعی
 (تألیفی)
- ۳۱- روان‌شناسی برای بررسی تأثیرپذیری کودکان از رسانه‌ها، دو گروه کودکان ۳ تا ۵ ساله و ۵ تا ۷ ساله را در یک دوره دو ساله مورد بررسی قرار داده است. وی از چه روشی سود برده است؟
 الف) طولی ب) عرضی
 ج) مقطعی د) تطبیقی برهه‌های متوالی
 (تألیفی)
- ۳۲- با استفاده از این روش پژوهشی، تفاوت رفتارهای سنین مختلف را سریع‌تر می‌توان مشخص کرد؟ (تألیفی)
 الف) طولی ب) مقطعی
 ج) تطبیقی د) تطبیقی برهه‌های متوالی

- ۳۳- اولین روان‌شناسی که با استفاده از پرسشنامه به جمع‌آوری اطلاعات درباره کودکان و نوجوانان پرداخت؟
 (الف) زیگموند فروید
 (ب) ژان پیاژه
 (ج) استانلی هال
 (د) اریک اریکسون
 (تألیف)
- ۳۴- چه کسی دوره نوجوانی را تولد دوباره نامیده است؟
 (الف) زیگموند فروید
 (ب) استانلی هال
 (ج) اریک اریکسون
 (د) آنا فروید
 (تألیف)
- ۳۵- کدامیک از نظریه‌های ذیل، کودکان را مینیاتور بزرگسال می‌داند؟
 (الف) نظریه روانی - جنسی
 (ب) نظریه روانی - اجتماعی
 (ج) نظریه فرم‌یافتگی پیشین
 (د) نظریه تطبیقی داروین
 (تألیف)
- ۳۶- کدامیک از دانشمندان ذیل به پدر محیط‌گرایی شهرت دارد؟
 (الف) ژان ژاک روسو
 (ب) جان لاک
 (ج) استانلی هال
 (د) داروین
 (تألیف)
- ۳۷- این دانشمند را پیشگام مطالعه علمی کودک می‌دانند؟
 (الف) ژان ژاک روسو
 (ب) جان دیوئی
 (ج) استانلی هال
 (د) داروین
 (تألیف)
- ۳۸- کدامیک از مفاهیم ذیل بیان می‌کند که دوران کودکی شبیه به تکرار مراحل تکامل انسان است؟
 (الف) تطبیق
 (ب) پدیده باززیستی
 (ج) تولد دوباره
 (د) نظام کنشی
 (تألیف)
- ۳۹- کدامیک از روان‌شناسان ذیل رویکرد هنجاری مطالعه کودک را ارائه داده است؟
 (الف) استانلی هال
 (ب) زیگموند فروید
 (ج) آنا فروید
 (د) اریک اریکسون
 (تألیف)
- ۴۰- این روان‌شناس دوره نوجوانی را دوره طوفان و فشار می‌داند؟
 (الف) اتکینسون
 (ب) کلبگ
 (ج) استانلی هال
 (د) پیاژه
 (تألیف)
- ۴۱- جان دیوئی تحت تأثیر کدامیک از دانشمندان ذیل قرار داشته است؟
 (الف) لاک
 (ب) روسو
 (ج) هال
 (د) فروید
 (تألیف)

- ۴۲- کدام‌یک از دانشمندان ذیل به پدر سنت رشد‌گرایی شهرت دارد؟ (تألیفی)
 الف) داروین ب) لاک ج) روسو د) هال
- ۴۳- بنیان‌گذار نظام کنشی (مکتب شیکاگو) کدام‌یک از دانشمندان ذیل است؟ (تألیفی)
 الف) هال ب) لاک ج) دیوئی د) داروین
- ۴۴- به عقیده ژان ژاک روسو، رشد فرآیندی، و است. (تألیفی)
 الف) پیوسته، تدریجی و افزایشی ب) پیوسته، ناگهانی و افزایشی
 ج) ناپیوسته، ناگهانی و مرحله‌ای د) ناپیوسته، ناگهانی و غیر مرحله‌ای
- ۴۵- به عقیده جان لاک، رشد فرآیندی، و است. (تألیفی)
 الف) پیوسته، تدریجی و افزایشی ب) پیوسته، ناگهانی و افزایشی
 ج) پیوسته، مرحله‌ای و تدریجی د) ناپیوسته، مرحله‌ای و ناگهانی
- ۴۶- این دانشمند کودکان را موجوداتی ذاتاً کنجکاو می‌داند؟ (تألیفی)
 الف) دیوئی ب) لاک ج) هال د) فروید
- ۴۷- روش آموزش کودک از طریق عمل و تجربه را چه کسی مطرح کرد؟ (تألیفی)
 الف) هال ب) دیوئی ج) اسکینر د) اریکسون

پاسخ سؤال‌های طبقه‌بندی شده فصل اول

- ۱- گزینه (الف). با توجه به اینکه روسو کودک را ذاتاً خوب می‌دانست، دیوئی نیز که متأثر از وی بود، کودک را ذاتاً کنجکاو می‌دانست. طرفداران مدارس گشوده با ترکیب این دو عقیده، مدرسی را بنیان نهادند که مبنای آموزش و پرورش در آنها آزادی دانش‌آموزان بر اساس فطرت پاک آنها بود.
- ۲- گزینه (ج). استانلی هال با استفاده از پرسشنامه درباره نوجوانی به پژوهش پرداخت و با انتشار کتابی نوجوانی را وارد روان‌شناسی کرد و به همین دلیل به پدر روان‌شناسی بلوغ شهرت دارد.
- ۳- گزینه (د). (مراجعه به پاسخ سؤال شماره ۲)
- ۴- گزینه (ب). ژان ژاک روسو سنت رشدی را در روان‌شناسی آغاز کرده و افرادی مانند مونتسوری - گزل و پیازه از پیروان وی هستند. روسو یک طبیعت‌گراست و معتقد است که هر شخص حالات و روش‌های خاص خود را دارد. هر کسی مطابق با طرح طبیعت رشد می‌کند و بر حسب اقتضاء شخصی، ظرفیت‌ها و کیفیت‌های متفاوتی را در مراحل متفاوت گسترش می‌دهد. بنابراین، به نظر روسو باید به طبیعت فرصت داد که رشد کودک را رهبری نماید. وی عقیده‌ای به قدرت‌های محیط برای شکل دادن به یک فرد سالم نداشته تمام انحرافات رشدی را ناشی از دخالت محیط می‌داند.
- ۵- گزینه (الف). روش مقطعی (عرضی) زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که به منظور دستیابی به تفاوت‌ها در جریان تحول کودکان سنین مختلف در یک نقطه زمان معین آزمایش انجام شود. با این روش، تفاوت رفتارهای سنین مختلف را سریع‌تر می‌توان مشخص کرد. این روی‌آورد نسبت به روی‌آورد طولی بیشتر مقرون به صرفه است.
- ۶- گزینه (د). متغیر مستقل، متغیری است که توسط پژوهشگر دستکاری می‌شود تا تأثیر آن بر متغیر وابسته را مشخص نماید (مشاهده و اندازه‌گیری نماید).
- ۷- گزینه (ب). در پژوهش‌های طولی، عده معینی از آزمودنی‌ها به صورت مکرر در یک دوره یا طی چندین سال مورد آزمایش قرار می‌گیرند.
- ۸- گزینه (ب). در قرن نوزدهم استانلی هال نوجوانی را تولد دوباره و دوره طوفان و فشار نامید.
- ۹- گزینه (الف). مطالعه علمی نوجوانی در سال ۱۹۰۴ با انتشار دو جلد کتاب تحت عنوان «نوجوانی» به وسیله استانلی هال آغاز شد.

- ۱۰- گزینه (ج). پختگی به تغییرات خاصی در دستگاه‌های عصبی و عضلانی بدن اطلاق می‌شود که عامل اساسی آن، گذشت زمان همراه با تکامل و نظام‌یافتگی سیستم‌های عصبی است و به تجربه کودک از محیط چندان بستگی ندارد.
- ۱۱- گزینه (الف). در روش مطالعه عرضی، گروه‌هایی از افراد که از نظر سن فرق دارند، در مقطع زمانی یکسان بررسی می‌شوند. چون آزمودنی‌ها فقط یک بار ارزیابی می‌شوند، پژوهش از مشکلاتی چون خارج شدن آزمودنی‌ها یا آثار تمرین مبرا می‌باشد.
- ۱۲- گزینه (الف). منظور از توصیف رفتار، مشخص کردن رفتارهای مختلف کودکان برای ارضاء نیازهای مختلف است. توضیح رفتار نیز به انجام رفتار می‌پردازد و پیش‌بینی نیز شامل مشخص نمودن نتایج رفتارها در طول زندگی می‌باشد.
- ۱۳- گزینه (ب). به تحلیل آماری مجموعه‌ای از نتایج پژوهش‌های قبلی روش فرا تحلیل گفته می‌شود.
- ۱۴- گزینه (الف). در روش آزمایشی (تجربی) که مهمترین ویژگی آن کنترل می‌باشد. به دلیل اینکه کلیه عوامل و متغیرها تحت کنترل قرار می‌گیرند هر نتیجه‌ای بدست آید، می‌توان آن را ناشی از روابط علی بین متغیرهای مورد پژوهش دانست.
- ۱۵- گزینه (ب). رشد عبارت از همه تغییرات و تحولاتی است که از زمان تشکیل سلول تخم تا هنگام مرگ در انسان روی می‌دهد و دارای لگوهای قابل پیش بینی است.
- ۱۶- گزینه (الف). رسش یا پختگی به تغییرات خاصی اطلاق می‌شود که عامل اساسی آن گذشت زمان همراه با تکامل و نظام یافتگی سیستم‌های عصبی است. رسش به تجربه کودک از محیطش بستگی چندان ندارد. به عبارت دیگر رسش به روند رشدی اشاره دارد که به صورت ژنتیکی تعیین می‌شود و به طور طبیعی آشکار می‌گردد.
- ۱۷- گزینه (الف). فراتحلیل شامل تحلیل آماری مجموعه‌ای از نتایج پژوهش‌های گذشته در یک زمینه خاص می‌باشد.
- ۱۸- گزینه (ج). بر اساس پژوهش‌های باس و پلامین سه ویژگی مردم‌آمیزی یعنی دارا بودن رفتارهایی که راحت با مردم ارتباط برقرار می‌کنند و رفتار تکانشگری یعنی رفتارهای ناگهانی و همچنین سطح فعالیت دارای مبنای زیستی می‌باشند. چیزی که امروزه آنرا مزاج یا خلق و خو می‌نامند اما سبک شناختی کاملاً یادگیری می‌باشد.
- ۱۹- گزینه (ب). کوبلرراس در مواجهه با مرگ پنج واکنش یا راهبرد را در مقابل مرگ بیان کرده است: ۱- انکار ۲- خشم ۳- التماس ۴- افسردگی ۵- پذیرش.
- ۲۰- گزینه (د). اصطلاح رسش یا پختگی (*maturation*) را ژان ژاک روسو مطرح کرد و منظور روند رشدی است که به صورت ژنتیکی تعیین شده است که به طور طبیعی آشکار می‌گردد و به تجربه کودک چندان بستگی ندارد.

- ۲۱- گزینه (ب). ماریا مونته سوری از پیروان ژان ژاک روسو می‌باشد. با توجه به این که روسو بنیان‌گذار سنت رشدگرایی است، مونته سوری نیز مانند وی قایل به مرحله و رسش بود. بنابراین بیان می‌کرد که در طی مراحل رشد برخی ویژگی‌های خاص تحت تأثیر رسش در مراحل خاص آشکار می‌شوند که این مراحل می‌تواند از حساسیت ویژه‌ای برخوردار باشد، لذا وی از دوره حساس رشد برای بیان مقصود خود استفاده کرد.
- ۲۲- گزینه (ج). ژان ژاک روسو به پدر سنت رشدگرایی شهرت دارد. روسو کودکان را وحشی‌های بزرگوار می‌دانست که ذاتاً از احساس درست و غلط برخوردار و برای رشد منظم و سالم برنامه‌های فطری دارند. وی مفهوم رسش (*maturation*) را که به روند رشدی اشاره دارد که به صورت ژنتیکی تعیین می‌شود. و به طور طبیعی آشکار می‌گردد را ارائه داده است
- ۲۳- گزینه (ب). با توجه به ویژگی‌های مرحله مثلاً هر مرحله ناشی از مراحل قبل و مقدمه‌ای برای مراحل بعد می‌باشد و یا این که هر مرحله همیشه در حلول تحول محل و موقع ثابتی دارد. تمام نظریه‌های مرحله‌ای معتقدند که مراحل رشد از قبل توسط عوامل ژنتیک برنامه‌ریزی شده است، بنابراین رشد زیستی قابل پیش‌بینی است.
- ۲۴- گزینه (د). بیشترین مطالعات و تحقیقات تجربی و علمی درباره رشد جسمانی و روانی کودک در قرن بیستم انجام گرفته است. آلفرد بینه اولین آزمون هوشی کودکان را ابداع کرد، فروید نظریه‌ی خود را درباره‌ی تأثیر عمیق تجربه‌های دوره کودکی بر شخصیت دوره بزرگسالی مطرح ساخت و گزل مطالعات بسیار دقیق و سازمان یافته‌ای در حدود ده سال انجام داد.
- ۲۵- گزینه (د). ژان ژاک روسو که به پدر سنت رشدگرایی شهرت دارد، معتقد بود که برای رشد، برنامه‌های فطری و ذاتی از قبل تعیین شده است. در آموزش فلسفه او فلسفه‌ای کودک‌مدار بود که براساس آن بزرگسالان باید در هر یک از چهار مرحله رشد: نوباوگی، کودکی، اواخر کودکی و نوجوانی براساس نیازهای کودکان عمل نمایند.
- ۲۶- گزینه (د). مونته‌سوری که تحت تأثیر روسو قرار گرفته بود معتقد بود نقش آموزش و معلم فراهم آوردن محیط مناسب آموزشی است و تأکید داشت که باید توجه نماییم که کودکان خود چه چیزی را انتخاب می‌کنند یعنی تأکید او بر انتخاب آزاد کودکان بود. بنابراین معلم نیز یک مشاهده‌گر کنش‌پذیر و منفعل است.
- ۲۷- گزینه (ج). ژان ژاک روسو پدر سنت رشدگرایی است که فلسفه او فلسفه‌ی کودک‌مداری بود. وی به عنوان بنیان‌گذار این نوع روش تربیتی شهرت دارد و معتقد است که روند رشد به صورت ژنتیکی تعیین شده و به طور طبیعی نیز آشکار می‌گردد. بنابراین بزرگسالان باید همواره نیازهای کودکان را در نظر بگیرند.

- ۲۸- گزینه (الف). از آنجا که تفاوت‌های فردی افراد در طول رشد تقریباً ثابت می‌باشد. از طرفی اندازه‌گیری‌های قد و وزن پسران و دخترانی که بر حسب قد و وزنشان دسته‌بندی شده بودند، مشخص کرده‌اند که اختلافی که موقع تولد بین آنها بوده است تقریباً در دوران کودکی باقی مانده است. همچنین نمودار سن عقلانی کودکان که دارای هوش متوسط و کودن نشان داده است که اختلاف عقلانی آنان نیز مانند اختلاف جسمانی آنها باقی می‌ماند.
- ۲۹- گزینه (ب). در مشاهده ساختاری، به بررسی رفتار در موقعیت‌هایی که توسط آزمایشگر سازماندهی شده‌اند و معمولاً شکل بررسی آزمایشگاهی به خود می‌گیرند، می‌پردازند.
- ۳۰- گزینه (ج). به منظور غنی‌تر کردن نتایج پژوهشی و تعمیم هر چه بیشتر قانونمندی‌های روان‌شناختی، همچنین در گستره بررسی‌های تحولی سوگیری‌های بین فرهنگی نیز به صورت فزاینده پژوهندگان را در راستای سازماندهی بررسی‌های تطبیقی قرار می‌دهد. بدین ترتیب امکان مقایسه کودکان بافت‌های فرهنگی مختلف را فراهم می‌آورند.
- ۳۱- گزینه (د). در روش تطبیقی برهه‌های متوالی، گروه‌های کودکان سنین مختلف را در یک دوره زمانی نسبتاً کوتاه مورد بررسی قرار می‌دهند.
- ۳۲- گزینه (ب). (مراجعه به پاسخ شماره ۶)
- ۳۳- گزینه (ج). مطالعه علمی کودکی و نوجوانی در سال ۱۹۰۴ با انتشار دو جلد کتاب تحت عنوان «نوجوانی» توسط استانلی هال آغاز شد. وی اولین روان‌شناسی بود که با استفاده از پرسشنامه اطلاعات مفصلی را درباره کودکان و نوجوانان گردآوری کرد.
- ۳۴- گزینه (ب). برجسته‌ترین مفهوم نظریه هال درباره نوجوانی «طوفان و فشار» است. به اعتقاد او افراد در دوره نوجوانی دستخوش دگرگونی‌های چشمگیری می‌شوند که غالباً نوسان‌های پر شور عاطفی به دنبال دارد و به همین دلیل استانلی هال دوران نوجوانی را تولد دوباره نامیده است. اصولاً وی اعتقاد داشت که در نوجوانی، تکامل یافته‌ترین خصوصیات انسانی و اولین ویژگی‌های تمدن انسانی ظاهر می‌شود.
- ۳۵- گزینه (ج). در قرون وسطی بین کودکان و بزرگسالان تفاوتی قائل نبودند و معتقد بودند که کودکان تمام ویژگی‌های بزرگسالان را با اندازه‌ای کوچکتر دارا هستند.
- ۳۶- گزینه (ب). جان لاک ذهن کودکان را مانند لوح سفیدی می‌دانست که بعداً توسط محیط شکل می‌گیرد.
- ۳۷- گزینه (د). تأکید داروین بر انتخاب طبیعی، بقای شایسته‌ترین و ویژگی‌های جسمانی و رفتاری که موجب سازگاری می‌گردد و همچنین مطالعه مقایسه‌ای انسان و حیوان.

- ۳۸- گزینه (ب). داروین معتقد بود که دوران کودکی شبیه به تکرار مراحل تکامل بشری است.
- ۳۹- گزینه (الف). با توجه به اینکه استانلی هال تحت تأثیر دیدگاه تکاملی داروین قرار گرفته بود و رشد را به صورت فرآیندی می‌دانست که به صورت ژنتیکی از قبل برنامه‌ریزی شده است، برای اولین بار از روش هنجاری جهت مطالعه کودکان استفاده نمود.
- ۴۰- گزینه (ج). به اعتقاد استانلی هال، در دوره نوجوانی افراد دارای دگرگونی‌هایی هستند که سازگاری با این تغییرات موجب احساس فشار در آنها می‌گردد.
- ۴۱- گزینه (ب).
- ۴۲- گزینه (ج). روسو معتقد به ویژگی‌های ذاتی و فطری و برنامه‌ریزی از قبل تعیین شده بود، لذا چهار مرحله برای رشد قایل است. این چهار مرحله شامل: نوباوگی، کودکی، اواخر کودکی و نوجوانی است.
- ۴۳- گزینه (ج). دیویی که بر برنامه‌ریزی فطری کودکان اعتقاد داشت، در نظام کنشی خود بر هماهنگی بین عناصر واکنشی تأکید داشت.
- ۴۴- گزینه (ج). با توجه به اینکه روسو کودک‌مدار و معتقد به برنامه‌های فطری از قبل تعیین شده بود، به طوری که آشکار شدن این ویژگی‌های فطری طی مراحل انجام می‌گیرد، بنابراین به اعتقاد وی، رشد علاوه بر مرحله‌ای بودن، ناپیوسته و ناگهانی است. (باید به خاطر داشته باشیم که کلیه رویکردهای مرحله‌ای رشد را ناپیوسته و ناگهانی می‌دانند).
- ۴۵- گزینه (الف). با توجه به اینکه لاک در مقایسه وراثت و محیط، نقش تعیین‌کننده را به محیط می‌دهد، بنابراین لاک و طرفداران این روش (رفتارگراها) رشد را پیوسته (غیر مرحله‌ای)، افزایشی و تدریجی می‌دانند.
- ۴۶- گزینه (الف). به اعتقاد جان دیویی کودکان در بنیاد و از لحاظ طبیعی موجوداتی کنجکاو هستند.
- ۴۷- گزینه (ب). دیویی بینان‌گذار نظام کنشی در زمینه آموزش محسوب می‌شود.